

موانع فرا راه زنان متشبت در زمينه دسترسى به بازار (ماركيت)

مؤسسه‌ى برابرى براى صلح و دموكراسى



دیدگاه

افغانستان یک کشور امن، خوشبخت و دموکراتیک است که در آن تمام افغانها دارای حقوق برابر و بدون تبعیض با هم زندگی می کنند.

ماموریت موسسه برابری برای صلح و دموکراسی توانبخشی به زنان و جوانان در سطوح اجتماعی و پالیسی سازی است تا از این طریق، آنها بتوانند دست به ایجاد ائتلافها و شبکه ها بزنند و در زمینه های بهبود حقوق بشر و حکومت داری خوب نقش ایفا نمایند. آیین نهاد روی سه بخش استراتژیک که در ذیل تشریح شده توجه ویژه دارد:

صلح و امنیت موسسه برابری برای صلح و دموکراسی فعالیتهای خویش را به توانبخشی تمام افغانها، به خصوص زنان و جوانان معطوف می دارد تا آنها بتوانند در صلح سازی، جلوگیری از وقوع منازعه، حل منازعه و میانجی گری در سطح ملی و مردمی سهم بگیرند و شریک شوند.

حکومت داری خوب برای دست یابی به حکومت داری خوب، موسسه برابری برای صلح و دموکراسی می کوشد شفافیت و حسابدگی نهادها و ادارات دولتی را در قبال منابع عمومی و پالیسی های مربوطه، افزایش بدهد. برای توانمندسازی اجتماعات به منظور حساب گیری از ادارات دولتی و نظارت از کیفیت ارائه خدمات آنها، موسسه ما برنامه های آموزشی را اجرا می کند و زمینه را برای سهم گیری و مشارکت مردم در پروسه پلان گذاری بودیجه، نحوه مصرف بودیجه، نظارت بر ارائه خدمات و تطبیق پروژه های انکشافی، فراهم می کند. **حقوق بشر** صلح و حکومت داری خوب برای اطمینان دادن از رعایت حقوق بشر، حتمی و حیاتی است، موسسه برابری برای صلح و دموکراسی رویکرد مبتنی بر حقوق بشر را، برای ایجاد و اجرای برنامه های توانبخشی مردم افغانستان اتخاذ می کند تا آنها بتوانند در مورد حقوق خود به عنوان شهروندان این کشور، بدون در نظر داشت سن، قوم، جنسیت و عوامل دیگر آگاهی پیدا کنند و از حقوق بهره مند شوند. ما بر این باوریم که حقوق زنان، حقوق بشر است. به همین دلیل توانمندسازی زنان بخش بسیار مهم و کلیدی ماموریت ما تشکیل می دهد.

رویکرد های موسسه برابری برای صلح و دموکراسی در تلاشهایش برای صلح سازی، حکومت داری خوب و حقوق بشر فراگیر و همه شمول است. این نهاد اجتماعات مردمی را بسیج می نماید، برنامه های دادخواهی را راه اندازی می کند و زمینه هایی را برای گردهم آمدن اجتماعات مردمی و تقاضای شفافیت و حسابدگی و ارائه خدمات بهتر از دولت، ایجاد می نماید. موسسه برابری برای صلح و دموکراسی نه تنها برنامه های خویش را روی زنان و جوانان متمرکز نموده، بلکه افتخار دارد که به عنوان نهادی که توسط زنان و جوانان رهبری می شود، در ترکیب کارمندان خویش، ۵۰٪ زنان و ۶۰٪ جوانان را سهم کرده است. ساختار این نهاد نیز، از سوی زنان مدیریت می شود. با این وجود، در کنار مسائل مربوط به زنان، این نهاد در بخش های دیگر مثل پروسه صلح، انتخابات، و مسائل مبارزه با فساد توجه خاص به نیازها و دیدگاه های زنان و جوانان مبذول کرده است.

ماموریت

رویکرد

مخففات

ACCI	اتاق‌های تجارت و صنایع افغانستان
ALCS	سروی شرایط زندگی در افغانستان
AMA	انجمن قرضه‌های کوچک افغانستان
ANDS	استراتیژی انکشاف ملی افغانستان
AREDP	برنامه‌ی انکشاف تجارت روستایی در افغانستان
ARTF	صندوق بازسازی افغانستان
BSP	گروه‌های حامی تجارت
CSO	اداره احصائیه مرکزی
GDP	تولید ناخالص داخلی
H-AICFO	حرکت—سازمان تسهیل سرمایه‌گذاری در افغانستان
IRoA	جمهوری اسلامی افغانستان
MAIL	وزارت زراعت، آبیاری و مالداري
MFI	موسسه‌ی قرضه‌های کوچک
MISFA	قرضه‌های کوچک حمایت از سرمایه‌گذاری در افغانستان
MoCI	وزارت تجارت و صنایع
MoEC	وزارت اقتصاد
MoF	وزارت مالیه
MoWA	وزارت امور زنان
MRRD	وزارت احیا و انکشاف دهات
MSME	تجارت‌های کوچک و متوسط
NAPWA	پلان ملی عملی برای زنان افغانستان
NRVA	ارزیابی خطرات و آسیب‌پذیری ملی
NSP	برنامه‌ی همبستگی ملی
OECD	سازمان همکاری و انکشاف اقتصادی
SME	تجارت‌های کوچک و متوسط
UN	سازمان ملل متحد
UNDP	برنامه‌ی انکشافی سازمان ملل متحد
UNFAO	سازمان غذا و زراعت ملل متحد
USAID	اداره‌ی انکشاف بین‌المللی ایالات متحده آمریکا
USD	دالر آمریکایی
WB	بانک جهانی
WBC	شورای تجارت زنان

فهرست

- I خلاصه گزارش
- II یافته‌های کلیدی
- III پیشنهادات
- ۱. معرفی
- ۲. روش
- ۳. دورنمای اقتصادی افغانستان
- ۴. جایگاه حقوقی، اجتماعی و نهادی زنان
- ۵. زنان در بخش خصوصی
- ۶. یافته‌های ابتدایی
- ۷. ماتریکس درجه‌بندی شده
- ۸. نتیجه‌گیری
- ۹. پیشنهادات برای پالیسی‌سازی
- ۱۹. ضمیمه‌ی ۱: جدول‌ها
- ۲۱. ضمیمه‌ی ۲: پرسشنامه
- ۲۳. ضمیمه‌ی ۳: نمودار زنان متشبه
- ۲۴. منابع و مآخذ

مؤسسه‌ی برابری برای صلح و دموکراسی



سپاسگزاری

نویسنده از تمام افرادی که در تهیه‌ی این تحقیق سهم گرفتند و حمایت‌شان را دریغ نکردند، اظهار سپاس و قدردانی می‌کند. لازم به یادآوری است که بدون دیدگاه‌های ارزشمند آنها، این تحقیق ممکن نبود. هم‌چنان، نویسنده از تیم مؤسسه‌ی برابری برای صلح و دموکراسی، مخصوصاً موریتس راد، عبدالحلیم اچکزی و نوریه سلطانی بخاطر هم‌کاری و حمایت‌های بی‌دریغ‌شان ابراز تشکر و قدردانی می‌کند.



بهبود و ارتقای وضعیت اقتصادی زنان به یکی از اولویت‌های مهم در عرصه‌ی توسعه تبدیل شده است. با وجودی که مطالعات اندکی در زمینه‌ی نقش تجارت‌های زنان در رشد اقتصاد کشورها صورت گرفته است، ولی در این که زنان نقش محوری در رشد و انکشاف اقتصاد بازی می‌کنند، توافق نظر وجود دارد. اگر موانعی که فراروی مشارکت زنان در عرصه‌ی فعالیت‌های اقتصادی وجود دارد، برداشته شوند بهره‌وری نیروی کار در برخی کشورها تا ۲۵٪ افزایش خواهد یافت (گزارش جندر سازمان ملل متحد، ۲۰۱۲). بصورت کلی، حضور زنان در نهادهای آموزشی، اقتصادی و سیاسی در اثر پالیسی‌های مشخص درین راستا در سراسر جهان افزایش یافته است. گزارش برابری جنسیتی و توسعه سازمان ملل متحد که در سال ۲۰۱۲ منتشر شده نشان می‌دهد که «زنان ۴۰٪ نیروی کار، ۴۳٪ نیروی کار در بخش زراعت و نصف دانشجویان را در جهان زنان تشکیل می‌دهند.» با در نظرداشتن سطح پایین سواد، سطح پایین تحصیلات عالی و کمبود سرمایه انسانی در اوایل سال ۲۰۰۰ میلادی، جامعه‌ی جهانی و دولت افغانستان توجه شان را بصورت گسترده روی ارتقای ظرفیت نهادها و بخش خصوصی متمرکز کردند. چارچوب قانونی، ایجاد سیستم مالی، فراهم‌سازی زیرساخت‌های اولیه و فرصت استفاده از همکاری‌های منطقوی و اشتراک در نشست‌های منطقوی، این فرصت را برای تجارت پیشه‌های افغان (اعم از زنان و مردان) فراهم آورد تا آنها به بازارهای منطقه و جهان دسترسی پیدا کرده فعالیت‌های خود را در عرصه‌ی صادرات و واردات شروع کنند. استراتیژی انکشاف بخش خصوصی که بخشی از استراتیژی انکشاف ملی افغانستان برای ۲۰۰۷/۲۰۰۸ الی ۲۰۱۲/۲۰۱۳ را تشکیل می‌داد، نیز برای ایجاد فضای مناسب جهت انکشاف بخش خصوصی و سرازیر شدن سرمایه‌گذاری به کشور کمک شایانی کرد. این استراتیژی در انکشاف بخش خصوصی دست به تفکیک جنسیت نزنده است. تنها ابزاری که درین استراتیژی برای بهبود وضعیت زنان در نظر گرفته شده بود، فراهم کردن قرضه‌های کوچک به زنان فقیر روستایی بود. دورنمای اقتصادی برای زنان و جامعه‌ی افغانستان بصورت کل از سال ۲۰۰۲ به این سو بهبود یافته است، ولی هنوز هم چالش‌هایی درین زمینه وجود دارد. با وجودیکه کمک‌های جامعه‌ی جهانی باعث بهبود و رشد قابل ملاحظه‌ی زنان شده است، با آن‌هم در رابطه به وضعیت زنان درین کشور نگرانی‌هایی وجود دارد. برنامه‌ی انکشافی سازمان ملل متحد، با استفاده از مراقبت‌های صحی زایمانی، توانمندسازی و وضعیت اقتصادی به عنوان شاخص‌های نابرابری مبتنی بر جنسیت، نابرابری جنسیتی را مورد ارزیابی و بررسی قرار داده که در آن افغانستان از میان ۱۵۱ کشور مقام ۱۵۰ام را به خود اختصاص داده است.^۱ دولت افغانستان تلاش‌های خود را برای بهبود وضعیت زندگی زنان افزایش داده است و از میان پالیسی‌ها و قوانینی که به تصویب رسیده است، برنامه‌ی عمل ملی برای زنان افغانستان (۲۰۰۸ الی ۲۰۱۸) روی توانمندسازی اقتصادی زنان متمرکز است.

یافته‌های کلیدی

یافته‌های این تحقیق برخی از موانعی را که فراروی رشد زنان در عرصه‌ی اقتصادی قرار دارند، نشان می‌دهد. اولین و مهم‌ترین آن شمولیت اقتصادی زنان در سراسر کشور است. تنها ۹٪ جمعیت کشور در موسسات مالی حساب دارند و تنها ۳٪ در موسسات دولتی حساب دارند.^۲ به اساس اطلاعات شمولیت مالی سال ۲۰۱۲ که از سوی بانک جهانی منتشر شده است، تنها ۲.۶۲٪ زنان در موسسات مالی رسمی حساب پولی داشتند در حالی که در بخش مردان این رقم به ۱۵.۴۲٪ می‌رسد. شمولیت مالی در کاهش فقر، حمایت از رشد اقتصادی و بهبود وضعیت اقتصادی نقش مهمی ایفا می‌کند. بر اساس گزارش پروژه‌ی شمولیت مالی و دیجیتالی موسسه‌ی بروکینز که در سال ۲۰۱۵ به نشر رسیده است، دسترسی زنان به موسسات مالی رسمی افزایش یافته و میزان عدم دسترسی آنها به چنین موسساتی تنها ۴٪ است.^۳ ارزش ضمانت برای قرضه‌گیری از بانک‌ها ۱۰۲.۴٪ است و دسترسی به قرضه پس از بی‌ثباتی سیاسی، دسترسی به زمین و فساد اداری، چهارمین مانع فراروی رشد اقتصادی در افغانستان به حساب می‌آید.^۴ شواهد بدست آمده نشان می‌دهند که تعداد وسیعی از زنان متشبهت در تجارت غیر رسمی فعالیت دارند. این امر یکی از معایب تجارت زنان به حساب می‌آید زیرا چنین تجارت‌هایی در پالیسی‌های دولت انعکاس نمی‌یابند. موانع درین عرصه بصورت مختصر بصورت ذیل است:

۱. فرهنگی: مردم در افغانستان تمایل کمتری نسبت به کار کردن زنان بیرون از خانه دارند.
۲. مالی: دسترسی زنان به پول هنوز هم خیلی محدود است و تنها ۴٪ جمعیت زنان افغانستان حساب‌های پولی در موسسات مالی رسمی دارند.
۳. معلومات بازار: دسترسی زنان متشبهت به معلومات مرتبط به بازار در افغانستان محدود است. اطلاعات مربوط به بازار تنها در دسترس گروه‌های مشخص از طریق برنامه‌های رسمی قرار می‌گیرد.
۴. شمولیت اجتماعی: زنان در افغانستان یک قشر منزوی و به حاشیه رفته اند؛ بنابراین برای مشارکت در تصمیم‌گیری، دسترسی به بازار، و دسترسی به خدمات و فرصت‌ها، و مشارکت در امور سیاسی و اجتماعی جامعه، زنان نیاز به توانمندسازی دارند.
۵. پالیسی‌های دولت: دولت باید پالیسی‌های خود را بر اساس برابری جنسیتی تفکیک کند تا زمینه و فضای مناسب برای فعالیت‌های تجاری زنان متشبهت مهیا شود.
۶. حق مالکیت: قوانین معمول در افغانستان هنوز هم بصورت گسترده حق مالکیت زنان را محدود می‌کنند.

۲ <http://datatopics.worldbank.org/financialinclusion/country/afghanistan> (۲۰۱۱)

۳ جان دی. ویلایسینور، دارل ام. وست، روبین جی. لویس. ارزیابی پیشرفت در بخش دسترسی و استفاده از کمک‌های مالی. گزارش سال ۲۰۱۵ بروکینز در مورد پروژه‌ی شمولیت مالی و دیجیتالی، واشنگتن دی سی، ۲۶ آگست ۲۰۱۵.

۴ سروی تجارت‌ها: پروفایل افغانستان ۲۰۱۴، بانک جهانی، IFC، ص. ۴.

۵ به یادداشت شماره ۵ رجوع شود.

پیشنهادات

این تحقیق پیشنهادات کلیدی ذیل را ارائه می‌کند:

- استراتژی‌های رشد اقتصادی باید بر اساس جنسیت تفکیک شوند تا زنان متشبه بتوانند حد اکثر استفاده از این استراتژی‌ها را بکنند؛
- زمینه‌های شبکه‌سازی برای زنان باید تقویت و توسعه داده شوند و در رابطه به برنامه‌ها و پروژه‌های مختلف و متنوعی که روی تجارت‌های زنان متمرکز اند، برای آن‌ها آگاهی دهی صورت بگیرد؛
- در رابطه به تجارت‌های متعلق به زنان اطلاعات جمع‌آوری شود و وضعیت زنان متشبه در کشور بصورت منظم مورد مطالعه و بررسی قرار بگیرد تا به نیازهای آن‌ها و موانعی که فراروی کسب و کار آنها قرار دارند، رسیدگی شود؛
- مشارکت کاری زنان در بازار از طریق برنامه‌های سوادآموزی و آموزش‌های حرفه‌ای افزایش داده شود؛
- برای بهبود جایگاه زنان در جامعه باید با نهادهای جامعه‌ی مدنی هم‌کاری صورت بگیرد و از برنامه‌های دادخواهانه برای آموزش و آگاهی‌دهی عمومی در رابطه به حقوق زنان و تأثیر زنان متشبه بر اقتصاد، حمایت شود؛
- تأثیرات پالیسی‌های قرضه‌های کوچک تجارتي بر زنان تجارت پشیه مورد ارزیابی قرار بگیرد و از یافته‌های آن در مرحله‌ی طرح و ترتیب پالیسی‌ها و برنامه‌ها استفاده شود.

۱. معرفی

گزارش توسعه‌ی جهانی در رابطه به برابری جنسیتی و توسعه که در سال ۲۰۱۲ از سوی بانک جهانی به نشر رسیده است، نشان می‌دهد که برابری جنسیتی می‌تواند بهره‌وری اقتصادی و رفاه عمومی را در جوامع بهبود ببخشد. درین دیدگاه جدید، اقتصادی که در آن برابری جنسیتی لحاظ شده را به عنوان اقتصاد هوشمند معرفی می‌کند—اقتصادی که در آن زنان به تقضای بازار کار پاسخ می‌دهند. از منظر اقتصادی، مشارکت زنان در نیروی کار عاملی است که میزان پایین عرضه‌ی نیروی کار را جبران می‌کند و به بهره‌وری کلی بازارهای موجود کمک می‌کند. این موضوع به خصوص در کشورهایی که جمعیت سالمند بیشتر دارند، و در اقتصادهایی که نیروی کار در آنها رو به کاهش است، اهمیت پیدا می‌کند.^۶ با آنکه مطالعات و تحقیقات در رابطه به تأثیرات مستقیم فعالیت زنان متشبه بر اقتصاد محدود است، ولی اطلاعات و آمارهای اقتصادهای در حال توسعه نشان می‌دهند که مشارکت زنان در فعالیت‌های اقتصادی در رشد تولید ناخالص ملی نقش دارد.^۷ در افغانستان نیز تلاش‌های به منظور توانمندسازی زنان افزایش یافته و در نتیجه، تعداد زنانی که به معیشت و درآمد خانوادگی شان کمک می‌کنند، از ۱۳.۶٪ در سال ۲۰۰۹ به ۲۲.۶٪ در سال ۲۰۱۵ افزایش یافته است.^۸

وضعیت اقتصادی-اجتماعی زنان در افغانستان طی دهه‌ی گذشته تحول چشم‌گیری را تجربه کرده است. پیش از سال ۲۰۰۲، زنان منزوی بودند و در فعالیت‌های سیاسی، اقتصادی و تجارتي سهم نداشتند. پس از مداخله‌ی جامعه‌ی بین‌المللی در افغانستان در سال ۲۰۰۱، شرایط زندگی، سطح تحصیل و آموزش، مشارکت سیاسی و وضعیت اقتصادی زنان درین کشور رشد کرده است. ولی هنوز هم کارهای زیادی باید درین بخش صورت بگیرد. با وجود دست‌آوردهای خوبی که در بخش‌های تحصیل و آموزش زنان، و توانمندسازی سیاسی و اقتصادی آنها، زنان در افغانستان هنوز هم در حاشیه باقی مانده اند. مشارکت زنان در فعالیت‌های اقتصادی هنوز هم کم‌رنگ است و زنان اکثراً در تجارت‌های غیر رسمی و فعالیت‌های معطوف به امرار معیشت مصروف اند. زراعت تنها بخشی است که در آن تعداد قابل ملاحظه‌ی زنان به صورت غیر مستقل به کار گماشته می‌شوند و این کار بیشتر به منظور هم‌کاری آنها به اعضای خانواده برای تولید بیشتر صورت می‌گیرد.^۹

با در نظر داشت ناامنی گسترده در سراسر کشور و عدم موجودیت سروی‌ها و آمار، در باره‌ی زنانی که فعالانه مصروف کسب و کار اند، مهارت‌های آنها، موانع ساختاری و نهادی که فراروی آنها قرار دارند و پالیسی‌هایی که به دسترسی آنها به فعالیت‌های اقتصادی و بهبود بهره‌وری اقتصادی شان کمک کند، اطلاعات و معلومات کافی در دست نیست. شامل سازی و مشارکت زنان در اقتصاد نه تنها لازمه‌ی «اقتصاد هوشمند» است، بلکه یک عنصر کلیدی رشد همه‌جانبه و پایدار نیز به حساب می‌آید. به منظور فهم عمیق‌تر و دقیق‌تر مشکلات فوری که فراروی زنان در کابل قرار دارند، موسسه‌ی برابری برای صلح و دموکراسی ارزیابی سریع بازار (RMA) را راه اندازی کرد. بصورت مشخص، هدف از ارزیابی سریع بازار (الف) بررسی و مطالعه‌ی موانعی که دسترسی زنان متشبه بازار را محدود می‌کنند (به عنوان مثال عدم دسترسی به معلومات تجارتي، سرمایه‌ی انسانی) و (ب) جمع‌آوری و تهیه‌ی معلومات در رابطه به اندازه و احتمال رشد تجارت‌ها در بازارهای محلی و منطقوی می‌باشد. این تحقیق بازارهایی را که توان جذب زنان متشبه را بر اساس مفکوره‌ی آنها دارند، نیز مورد بررسی و مطالعه قرار می‌گیرد.

با توجه به محدودیت‌های زمانی و دشواری‌های طبیعی این تحقیق، اندازه‌ی مصاحبه‌ها که با زنان تجارت‌پیشه، کارشناسان دولتی، و سازمان‌های بین‌المللی صورت گرفته است، کوتاه در نظر گرفته شده است. ولی از سوی دیگر،

۶ از یادداشت‌های گفتگوی کارمندان صندوق بین‌المللی پول، کار و اقتصاد: دست‌آوردهای اقتصاد بزرگ از برابری جنسیتی، ویتیک، نیویاک، کوچهر، فابریزیو، کپودار، وینچندر، کیمینتس و شوارتز.

۷ OECD، تقویت تشبث و تجارت‌های کوچک و متوسط ابتکاری در اقتصاد بین‌المللی.

۸ «افغانستان در ۲۰۱۴، سروی مردم افغانستان» کیت شاو، بنیاد آسیا، ۲۰۱۵. ص. ۱۴۲.

۹ «نقش زنان در آینده‌ی افغانستان، دست‌آوردهای مهم و چالش‌های مداوم.» گروه بانک جهانی، ۲۰۱۳، فصل ۱، ص. ۹۳.

روش انجام این تحقیق به گونه‌ای انتخاب شده است که کوتاهی مصاحبه‌ها را جبران می‌کند. ماتریکس که با تمام جزئیات درین تحقیق آورده شده است، مصاحبه‌ها و مرور ادبیات مربوطه، این تحقیق و یافته‌های آن را اعتبار بیشتر بخشیده است. این تحقیق این‌گونه ساختار بندی شده است: بخش دوم طرح تحقیق و روش جمع‌آوری اطلاعات را معرفی و توضیح می‌دهد. بخش سوم دورنمایی از اقتصاد افغانستان ارائه می‌کند. بخش چهارم زمینه و جایگاه زنان را در افغانستان بصورت کلی تشریح می‌کند. بخش پنجم نگاهی به بخش خصوصی و فعالیت زنان می‌اندازد. بخش ششم یافته‌های این تحقیق و ارزیابی سریع بازار را ارائه می‌کند. بخش هفتم ماتریکس درجه‌بندی شده را شامل می‌شود. بخش هشتم یافته‌های ارزیابی سریع بازار را بررسی و نتیجه‌گیری می‌کند. بخش نهم توصیه‌های و پیشنهادات کوتاه برای پالیسی‌سازی ارائه می‌کند. در ضمیمه‌ها، ضمیمه‌ی اول محصولات تجاری را نشان می‌دهد. ضمیمه‌ی دوم پرسش‌نامه‌ی به کار رفته درین تحقیق است. در ضمیمه‌ی سه، نموداری ترسیم شده است که زنان متشبه را توضیح می‌دهد.

۲. روش

درین تحقیق، مرور ادبیات تحقیق بصورت فشرده و گزینشی صورت گرفته تا معلومات در مورد تجارت‌های متعلق به زنان مطابق به تعریف تجارت‌های کوچک و متوسط که از سوی وزارت تجارت ارائه شده است، جمع‌آوری شود. به کمک معلومات بدست آمده به این شیوه، روش جمع‌آوری اطلاعات شناسایی و مشخص شد و فهرستی از تجارت‌های متعلق به زنان و زنان متشبه از طریق منابع دولتی، منابع غیر دولتی و موسسه‌ی برابری برای صلح و دموکراسی تهیه شد تا درین تحقیق مورد بررسی قرار گرفته و با آن‌ها مصاحبه شود.

بنا به محدودیت‌های زمانی، مطالعه‌ی گسترده ممکن نبود به همین دلیل روش ساده‌تر مورد استفاده قرار گرفته است. به کمک منابع موجود، نمونه‌ی که باید مورد استفاده قرار می‌گرفت بصورت غیر تصادفی و هدفمند طرح و تهیه شد. این تحقیق تعداد ۳۰ خانم متشبه را در بخش‌های خیاطی، صنایع دستی و دیگر مشاغل معیشتی در شهر کابل تحت پوشش قرار داده است. تنها آن عده از زنان متشبه که به سادگی در دسترس قرار داشتند، صاحب تجارت بودند و بیشتر زنان را در کارشان استخدام کرده بودند، مورد مصاحبه قرار گرفتند. این تحقیق در مدت شش هفته صورت گرفته است. برای صورت بندی اطلاعات، این تحقیق زنان متشبه و موسسات مالی، ادارات دولتی که از تجارت‌های کوچک و متوسط حمایت می‌کنند و هموئل‌کننده‌های مربوطه را مورد مطالعه و بررسی قرار داده است. اطلاعات اولیه از طریق یک پرسش‌نامه جمع‌آوری شد تا به کمک آن تصویری کلی از تجارت‌های متعلق به زنان ترسیم شود. علاوه بر آن، برای فهم این موضوع که زنان متشبه نسبت به موانعی که فراروی فعالیت‌های آنها قرار دارند چه نظری دارند، کارت نمره‌دهی مورد استفاده قرار گرفت و در کنار آن یک ماتریکس درجه‌بندی شده که دیدگاه‌های کارشناسان را در مورد بخش‌های که برای فعالیت‌های تجاری زنان مناسب است، نیز مورد استفاده قرار گرفت. ماتریکس درجه بندی شده در اختیار کارشناسان توسعه‌ی تجارت‌های کوچک و متوسط قرار گرفت تا آنها با توجه به دانش و تخصص شان، بخش‌هایی را که در بازار کنونی در آن احتمال پیشرفت فعالیت‌های تجاری زنان وجود دارد، درجه‌بندی کنند تا زنان بتوانند در آن بخش‌ها فعالیت کنند. ابزارهای جمع‌آوری اطلاعات و مطالعه‌ی روابط بازار تجارت‌های کوچک و متوسط شامل ماتریکس درجه‌بندی شده، مصاحبه‌ها، پرسشنامه و کارت نمره‌دهی می‌شود.

ماتریکس درجه‌بندی شده (مراجعه به بخش هفتم) که درین تحقیق به کار رفته است، از ارزیابی سریع بازار که به منظور شناسایی بخش‌های فرعی اقتصادی که برای فعالیت اقتصادی زنان مناسب است، برگرفته شده که در کشور قرغیزستان انجام شده است.^۱ بخش‌های فرعی درین تحقیق از دو منبع شناسایی شده اند: (الف) بخش‌های فرعی

۱۰ ارزیابی سریع بازار لباس، گردش‌گری، میوه و سبزیجات و لبنیات: بررسی رقابت‌آمیز بودن صنایع و فرصت‌های موجود برای تجارت‌های متعلق به زنان در قرغیزستان. «اداره‌ی انکشاف بین‌المللی آمریکا. ACDI/VOCA. فروری ۲۰۱۳. ص. ۵ و ۶.

تفکیک شده بر اساس استخدام نیروی کاری زنان، و (ب) دیدگاه‌های کارشناسان. یک ماتریکس درجه‌بندی شده بر اساس بخش‌های فرعی شناسایی شده در بخش‌های صنعت لباس، مالداری، لبنیات، باغبانی و پرچون فروشی که در آن تعداد کارکنان و کارفرمایان زن بالا بوده، تهیه شده است. با وجودیکه حضور زنان در پرچون فروشی کم‌رنگ است، درین این تحقیق به منظور بررسی و مطالعه‌ی دورنمای فرصت‌های زنان متشبهت درین بخش، به این موضوع پرداخته شده است. ماتریکس درجه‌بندی شده به هفت کارشناس داده شد تا از ۱ الی ۴ به آن نمره بدهند. برای نتیجه‌گیری دقیق‌تر باید این ماتریکس در اختیار ۲۰-۳۰ کارشناس قرار بگیرد. با در نظر داشت این محدودیت، نتایج این نمره‌دهی بیشتر منحصراً ارزیابی‌های تقریبی به کار رفته و از تحلیل علت-معلولی آن صرف نظر شده است. درین نمره‌دهی، نمره ۱ به این معناست که بخش یادشده شرایط لازم و مناسب برای سرمایه‌گذاری زنان را حایز نمی‌باشد در حالیکه نمره ۴ نشان می‌دهد که بخش مذکور مناسب‌ترین شرایط را برای سرمایه‌گذاری زنان دارد. مجموع نمرات داده شده میزان مناسب بودن بخش موصوف را نشان می‌دهد.

۳. دورنمای اقتصادی افغانستان

رشد اقتصادی افغانستان طی دهه‌ی گذشته چشم‌گیر بوده است. نرخ رشد تولید ناخالص ملی بصورت متوسط میان سال‌های ۲۰۰۳ الی ۲۰۱۲، ۹ درصد بوده است. به همین ترتیب، تولید ناخالص سرانه شاهد رشد دوبرابری بوده و از ۳۰۰ دالر آمریکایی در سال ۲۰۰۶ به ۶۹۰ دالر آمریکایی در سال ۲۰۱۲ افزایش یافته است. با آنکه این دست‌آوردها در رشد اقتصادی قابل توجه است، افغانستان هنوز هم راه زیادی را باید طی کند. افغانستان با رشد دوبرابری تولید ناخالص سرانه‌ی خود، در رتبه‌ی ۱۹۸ از میان ۲۱۳ کشور قرار می‌گیرد که در این رتبه‌بندی، جمهوری آفریقای مرکزی با ۶۰۰ دالر آمریکایی پایین‌ترین تولید ناخالص سرانه را دارد.^{۱۱} علاوه بر آن، افغانستان در میان کشورهای جنوب آسیا پایین‌ترین درآمد سرانه را دارد. علاوه بر آن، رشد اقتصادی و اعتماد از شروع سال‌های انتقال از ۲۰۱۳، دچار رکود شده است. تولید ناخالص سرانه در سال ۲۰۱۴ مبلغ ۶۳۳.۸ دالر آمریکایی بوده است در حالیکه در سال ۲۰۱۲، این مبلغ ۶۹۰.۸ دالر آمریکایی و اندکی بیشتر از سال ۲۰۱۴ بوده است. در سال ۲۰۱۵، ۱.۹٪ رشد درین بخش پیش بینی شده بود.^{۱۲} تمام این موارد نشان می‌دهند که، (یک) نرخ رشد پایین باقی خواهد ماند و (دو) درآمد سرانه دچار رکود شده و برای مدتی به همین منوال باقی خواهد ماند.

به لحاظ جایگاه مالی نیز، افغانستان در پایین جدول قرار می‌گیرد. افغانستان بصورت قابل ملاحظه برای تأمین بودجه ملی خود به کمک مالی متکی بوده است. کاهش کمک‌ها و کند شدن رشد اقتصادی در سال ۲۰۱۴ به دلایل سیاسی و امنیتی منجر به کسر مالی -۱۷.۵٪ تولید ناخالص داخلی شد که این رقم کمک‌های بلاعوض را شامل نمی‌شود.^{۱۳} با آنکه حکومت وحدت ملی اقدام‌های عاقلانه‌ای را روی دست گرفته تا در سال ۲۰۱۵ شاهد کسر مالی نباشد، ولی هزینه‌های امنیتی مصارفی را که باید در بخش غیر نظامی برای آرایه‌ی خدمات اولیه لازم است، تحت الشعاع قرار می‌دهد. مضاف بر آن، تنگناهای مالی توانایی دولت را برای رسیدگی به چالش نبود کار و احیای اقتصاد محدود می‌کند. این بدان معناست که برای بهبود برابری جنسیتی، امکان علاوه کردن بودجه‌ی مشخص در بودجه‌ی ملی بسیار اندک است.

اگر بر اساس معیارهای تولید ناخالص ملی بسنجیم، پروژه‌های بانک جهانی تا سقف ۳.۱٪ در سال ۲۰۱۶ افزایش

۱۱ دیتابیس شاخص‌های توسعه‌ی جهانی، بانک جهانی، دسترسی به تاریخ ۱۸ سپتامبر ۲۰۱۵.

<http://data.worldbank.org/indicator/NY.GDP.PCAP.CD/countries>

۱۲ «گزارش تازه در مورد توسعه»، گروه بانک جهانی، اکتوبر ۲۰۱۵، ص. ۱.

۱۳ «گزارش تازه در مورد توسعه افغانستان»، گروه بانک جهانی، اکتوبر ۲۰۱۵.

می‌یابد و چنین پیش بینی می‌شود که نرخ رشد برای چند سال بعد در حد ۳-۵ درصد باقی بماند.^{۱۴} هم‌چنان، بررسی‌ها نشان می‌دهد که فعالیت‌های اقتصادی با توجه به شاخص «تعداد شرکت‌های ثبت شده» بصورت کلی کاهش یافته است؛ تعداد شرکت‌های ثبت شده در سال ۲۰۱۳ ۳۶٪ کاهش و در سال ۲۰۱۴ ۲۶٪ کاهش را نشان می‌دهد.^{۱۵} تمام شاخص‌های اقتصادی به شمول کاهش رشد اقتصادی، کاهش اعتماد، کاهش میزان فعالیت‌های اقتصادی بخش خصوصی نسبت به سال‌های قبل و کاهش کمک‌ها که چرخه‌ی بسیاری از پیشرفت‌های اقتصادی را به شمول پیشرفت‌های اقتصادی زنان می‌چرخاند، نشان می‌دهند که رشد اقتصادی بصورت کلی شاهد کاهش خواهد بود. مشکلات فراروی فعالیت‌های اقتصادی زنانی که در بازار هستند، و زنانی که قصد دارند وارد بازار شوند، شاید حادث‌تر شود. به منظور کمک به این تجارت‌پیشه‌ها، فهم روابط بازارهای محلی و چگونگی رشد و موفقیت درین بازارها، یک امر کلیدی و مهم است. در بخش‌هایی تذکر یافته در ذیل، می‌کوشیم مشکلات را تشریح نموده و راه‌حل‌ها و پیشنهادات مشخصی را درین خصوص ارائه کنیم.

۴. جایگاه حقوقی، اجتماعی و نهادی زنان

قانونی اساسی افغانستان که در سال ۲۰۰۴ به تصویب رسیده است، حقوق یکسان برای زنان و مردان در پیشگاه قانون قایل است و هر گونه تبعیض علیه زنان را ممنوع قرار داده است.^{۱۶} قانون اساسی افغانستان نسبت به موضوع برابری جنسیتی موضع روشن داشته است و طی دهه‌ی اخیر، برای بهبود برابری جنسیتی قوانینی نیز به تصویب رسیده است که به بطور نمونه میتوان از قانون «منع خشونت علیه زنان»^{*} یاد کرد. قانون کار^{۱۷} که به تصویب رسیده است، احکامی را در بر دارد که مطابق آن وزارت خانه‌ها پالیسی‌ها و استراتژی‌های مرتبط با جندر را به تصویب رسانده اند تا شرایط مصوون تر و مناسب تر کاری برای زنان در کشور فراهم شود. با این حال، توانمندسازی زنان نیازمند حمایت دوامدار دولت و تقویت حاکمیت قانون در سراسر کشور است تا این ضمانت فراهم شود که زنان از حقوقی که قوانین افغانستان برای آنها ضمانت کرده است، بهره مند می‌شوند. یکی از محدودترین استراتژی‌ها به این منظور، برنامه‌ی عملی ملی برای زنان افغانستان ۲۰۰۷-۲۰۱۷ است که روی سه بخش اساسی تمرکز دارد: (۱) امنیت، (۲) حکومت‌داری، حاکمیت قانون و حقوق بشر، و (۳) اقتصاد، کار و فقر. برنامه‌های ویژه برای ارتقای سطح معیشت زنان تطبیق شده و یا در حال تطبیق شدن هستند و دست‌آوردهای قابل ملاحظه‌ای نیز در بخش‌های صحت و آموزش حاصل شده است ولی به لحاظ مالی زنان هنوز هم آسیب‌پذیر اند. برای ارتقای وضعیت مالی شهروندان، در سال‌های اخیر ایجاد و توسعه‌ی موسسات مالی روند صعودی داشته و برخی ازین مؤسسات پیش کش‌های ویژه برای زنان متشبهت داشته اند. ولی دسترسی زنان به پول برای سرمایه‌گذاری نیازمند توجه بیشتر است و لازم است تا تحرک اجتماعی و فرهنگی پذیرش زنان به عنوان افراد متشبهت و سایر موارد نظیر سواد، تحصیلات عالی، صحت و سایر حقوق زنان را برای توانمندسازی آنها مورد بررسی قرار دهیم.

قانون مدنی افغانستان که در سال ۱۹۷۷^{۱۸} به تصویب رسیده است، و پس از آن مجدداً مورد تصویب قرار نگرفته، در مورد حقوق اجتماعی و مسایل جنیستی جزئیات زیادی دارد. از میان دیگر حقوق، قانون مدنی افغانستان حق مالکیت

۱۴ یادداشت شماره ۶.

۱۵ «گزارش تازه اقتصادی»، بانک جهانی، اپریل ۲۰۱۵، ص. ۷.

۱۶ «ماده ۲۲: هر نوع تبعیض و تفکیک قایل شدن میان شهروندان افغانستان ممنوع است. شهروندان افغانستان، اعم از زن و مرد، حقوق و مکلفیت‌های مساوی در برابر قانون دارند.

* قانون محو خشونت علیه زنان از سوی دولت پیشنهاد شده بود ولی از سوی پارلمان به تصویب نرسید.

۱۷ مواد ۹، ۲۹، ۳۱، ۳۸، ۴۸ و قانون کار افغانستان.

۱۸ کعبه راستین-تهرانی، نجمه یساری. «رهنمود ماکس پلانک در مورد قانون خانواده در افغانستان». انستیتوت ماکس پلانک برای قانون تطبیقی عامه و حقوق بین‌الملل. چاپ دوم. جولای ۲۰۱۲.

زنان را از طریق میراث، انتقال یا خریداری به رسمیت می‌شناسد.^{۱۹} قانون مدنی تمام حقوق زن را بر ملکیت اش تضمین می‌کند و شوهر، پدر، برادر و دیگر اقارب وی اعم از مرد و زن را از مداخله در مدیریت ملکیت وی منع می‌کند. علاوه بر آن، دین نیز به زنان حق ملکیت، داشتن جایداد و تجارت را قایل است.^{۲۰}

با این حال، قوانینی نیز در افغانستان در عمل اجرا می‌شوند که هم قانون شریعت هم قانون دولت را تحت الشعاع قرار می‌دهند. در عین حال، عدم آگاهی و عدم رعایت حقوق مرتبط با جنسیت در کشور زمینه‌ی نقش چنین حقوق را مهیا کرده است. «بدون آگاهی حقوقی و آشنایی با ساختار حقوقی، زنان در اقامه‌ی دعوا برای حق مالکیت و نقض آن دچار تردید می‌شوند.»^{۲۱} تحقیقات صورت گرفته در کشور نشان می‌دهند که رسم و رواج‌های سنتی که موازی با قوانین دولتی که مبتنی بر ارزش‌های اسلامی تدوین شده اند، شمولیت و مشارکت زنان در سراسر کشور را به چالش مواجه کرده و «موانع ساختاری مثل نامنی، بی‌سوادی، میزان پایین استخدام زنان، و نظام قضایی ضعیف و غیر مؤثر محدودیت‌های بیشتری را بر دسترسی زنان به حق مالکیت شان اعمال می‌کنند.»^{۲۲}

برنامه‌ی انکشافی سازمان ملل متحد، با استفاده از توانمندی صحت باروری و وضعیت اقتصادی به عنوان شاخص‌های نابرابری مبتنی بر جنسیت، نابرابری جنسیتی را مورد ارزیابی و بررسی قرار داده که در آن افغانستان از میان ۱۵۱ کشور مقام ۱۱۵۰ام را به خود اختصاص داده است.^{۲۳} این نتایج، مخصوصاً در موجودیت چارچوب حقوقی برای حمایت از زنان، نگران کننده است. در حالی که در شهرهای مثل کابل، هرات، ننگرهار و بلخ که دولت کنترل قوی روی نهادها دارد، پیشرفت‌های چشم‌گیری بدست آمده است ولی بصورت کلی وضعیت زنان در افغانستان تیره است.

هنجارهای فرهنگی و اجتماعی که بصورت گسترده در کشور پذیرفته شده و عملی می‌شوند، برای دسترسی زنان متشبه و سازمان‌های زنان به حقوق شان ممانعت خلق می‌کنند. سروی مردم افغانستان که از سوی بنیاد آسیا منتشر شده است، نشان می‌دهد که درک مردم از کار زنان بیرون از خانه روند نزولی داشته است. ۶۴٪ پاسخ‌دهندگان مرد با کار کردن زنان بیرون از خانه موافق اند و این شاید تصویر خوشبینانه‌ای را برای ما ترسیم کند ولی «پاسخ‌دهندگانی که هرگز به مکتب نرفته اند (۶۱.۲٪) کمتر تمایل دارند با کار کردن زنان بیرون از خانه موافقت کنند.»^{۲۴} در همین گزارش بنیاد آسیا (سروی مردم افغانستان ۲۰۱۵) تعداد پاسخ‌دهندگان خانم که با کار کردن زنان بیرون از خانه موافق بوده اند، ۷۳٪ است.

برای تغییر ذهنیت مردم به منظور پذیرش تغییرات فرهنگی و اجتماعی که به زنان اجازه‌ی مشارکت همه‌جانبه در عرصه‌ی اقتصادی در کشور می‌دهند، آموزش و آگاهی‌دهی یگانه کلید اند. ماده‌ی چهل و سوم قانون اساسی تصریح می‌کند که «دولت مکلف است به منظور تأمین تعلیم متوازن برای زنان، برنامه‌های مؤثر طرح و تطبیق کند، وضعیت تعلیمی کوچیان را بهبود بخشیده و بی‌سوادی را از کشور محو نماید.» در چهارده سال گذشته، دست‌آوردهای چشم‌گیری در بخش آموزش و تعلیم دختران بدست آمده است. در سال تعداد دانش‌آموزان دختر در مکاتب ابتدایی ۴۷.۸٪ بوده است (ALCS ۲۰۱۴) ولی این رقم کاهش اندکی را از ۵۰.۷٪ نشان می‌دهد (NRVA ۲۰۱۱-۱۲).^{۲۵} حضور دختران در سطح متوسطه شاهد ۲۷.۱٪ کاهش و در سطح لیسه ۴.۳٪ کاهش بوده است ولی افزایش اندکی را از ۲۵٪ در سطح متوسطه و ۳.۳٪ در سطح لیسه نشان می‌دهد (NRVA ۲۰۱۱-۱۲). از میان عوامل مؤثر درین افزایش، می‌شود به این امر اشاره کرد که همان‌گونه که سطح سواد و دانش بالا می‌رود، میزان حمایت از تعلیم زنان نیز افزایش

۱۹ قانون مدنی افغانستان مصوب سال ۱۹۷۷، بخش حقوق ملکیت، جلد ۴.

۲۰ «نقش زنان در آینده‌ی افغانستان، دست‌آوردهای مهم و چالش‌های مداوم.» گروه بانک جهانی، ۲۰۱۳، فصل ۱، ص. ۲۶.

۲۱ «دسترسی زنان به ملکیت در افغانستان، قانون، تطبیق قانون و موانع.» شرکت مشاورتی قره. ۲۰۱۱، ص. ۸.

۲۲ «دسترسی زنان به ملکیت در افغانستان.» حرکت-AICFO. می ۲۰۱۱.

۲۳ «گزارش توسعه‌ی بشری.» برنامه‌ی توسعه‌ی ملل متحد، ۲۰۱۴، ص. ۱۷۴.

۲۴ «افغانستان در ۲۰۱۵، سروی مردم افغانستان.» کیت شاو، بنیاد آسیا. ۲۰۱۵، ص. ۱۴۰.

۲۵ «سروی شرایط زندگی در افغانستان، گزارش میان سالی.» اداره احصائیه مرکزی، ۲۰۱۴، ص. ۷.

با در نظر داشت سطح پایین سواد، سطح پایین تحصیلات عالی و کمبود سرمایه انسانی در اوایل سال ۲۰۰۰ میلادی، جامعه‌ی جهانی و دولت افغانستان توجه شان را بصورت گسترده روی ارتقای ظرفیت نهادها و بخش خصوصی متمرکز کردند. چارچوب قانونی، ایجاد سیستم مالی، فراهم‌سازی زیرساخت‌های اولیه و فرصت استفاده از همکاری‌های منطقوی و اشتراک در نشست‌های منطقوی، این فرصت را برای تجارت‌پیشه‌های افغان (اعم از زنان و مردان) فراهم آورد تا آنها به بازارهای منطقه و جهان دسترسی پیدا کرده فعالیت‌های خود را در عرصه‌ی صادرات و واردات شروع کنند. استراتژیی انکشاف بخش خصوصی که بخشی از استراتژیی انکشاف ملی افغانستان برای ۲۰۰۷/۲۰۰۸ الی ۲۰۱۲/۲۰۱۳ را تشکیل می‌داد، نیز برای ایجاد فضای مناسب جهت انکشاف بخش خصوصی و سرازیر شدن سرمایه‌گذاری به کشور کمک شایانی کرد. این استراتژیی در انکشاف بخش خصوصی دست به تفکیک جنسیت نزنده است. تنها ابزاری که درین استراتژیی برای بهبود وضعیت زنان در نظر گرفته شده بود، فراهم کردن قرصه‌های کوچک به زنان فقیر روستایی بود.

۵. زنان در بخش خصوصی

در دسترس بودن منابع جهت دستیابی به فرصت‌ها و معلومات با توجه به موقعیت جغرافیایی، موجودیت مؤسسات رسمی و سنت‌های مرسوم در جامعه متفاوت است. دسترسی به چنین منابع و معلومات برای زنان افغانستان محدود است. تجارت‌های متعلق به زنان از تجارت‌هایی که به مردان تعلق دارند، تفاوت دارد و تجارت‌هایی که از سوی زنان رهبری می‌شوند بیشتر روی تولید کالاهای ارزان متمرکز اند. با این وجود، زنان نقش‌های مثبت‌تری ایفا کرده و کوشیده اند نقش تجارت خود را متنوع کنند. این تنوع، اما توانسته تنها خود در سطح کوچک تبارز دهد زیرا تأسیس و رشد تجارت‌های پیچیده نیازمند سرمایه‌ی انسانی و مالی هنگفت است. در سطح کلان‌تر، زنان در فعالیت‌های اقتصادی مرتبط با خدمات، بخش‌های تولیدی، فرآوری مواد غذایی و مالداری مشغول فعالیت هستند.^{۳۷}

بصورت عمومی، بازار در افغانستان هنوز مراحل آغازین خود را سپری می‌کند و لازم است دولت بخاطر تنظیم و اداره‌ی آن مداخله کند. چنین مداخلاتی باید محدود به ایجاد شرایط رقابتی در بازار باشد تا از طریق آن تجارت‌های غیر رسمی بتوانند به تجارت‌های رسمی در نظام اقتصادی کشور مبدل شوند. گزارش بانک جهانی تحت عنوان «تجارت در سال ۲۰۱۶»، با در نظر داشت شرایط شروع تجارت افغانستان را در رتبه‌ی ۳۴ قرار داده است در حالی که به لحاظ شرایط کلی فعالیت‌های تجارتی این کشور در رده‌ی ۱۷۷ قرار می‌گیرد. تجارت‌های غیر رسمی بسیار پررنگ است و ۸۰-۹۰٪ فعالیت‌های اقتصادی افغانستان در حوزه‌ی تجارت‌های غیر رسمی صورت می‌گیرد.^{۳۸} احتمال زیادی وجود دارد که چنین تجارت‌هایی نتواند توجه پالیسی‌های مداخله‌جویانه‌ی دولت را به منظور حمایت از بخش خصوصی و حفاظت این تجارت‌ها از شوک‌های اقتصادی ناخواسته‌ی منطقوی و جهانی به خود جلب کند.

مشارکت زنان در نیروی کار در کشور در سطح پایین قرار دارد و سهم زنان در مقایسه به مردان نیز سیر نزولی دارد. گزارش ارزیابی ملی خطر و آسیب‌پذیری ۲۰۰۷-۲۰۰۸ میزان مشارکت زنان درین بخش را ۴۷٪ نشان می‌دهد.^{۳۹} در گزارش ملی خطر و آسیب‌پذیری سال ۲۰۱۱-۲۰۱۲ مشارکت در نیروی کار را ۴۹.۸٪ نشان می‌دهد که اگر آن را مبتنی بر جنسیت تفکیک کنیم، مشارکت مردان در نیروی کار ۸۱٪ است در حالی‌که مشارکت زنان در نیروی کار تنها ۱۹٪ گزارش

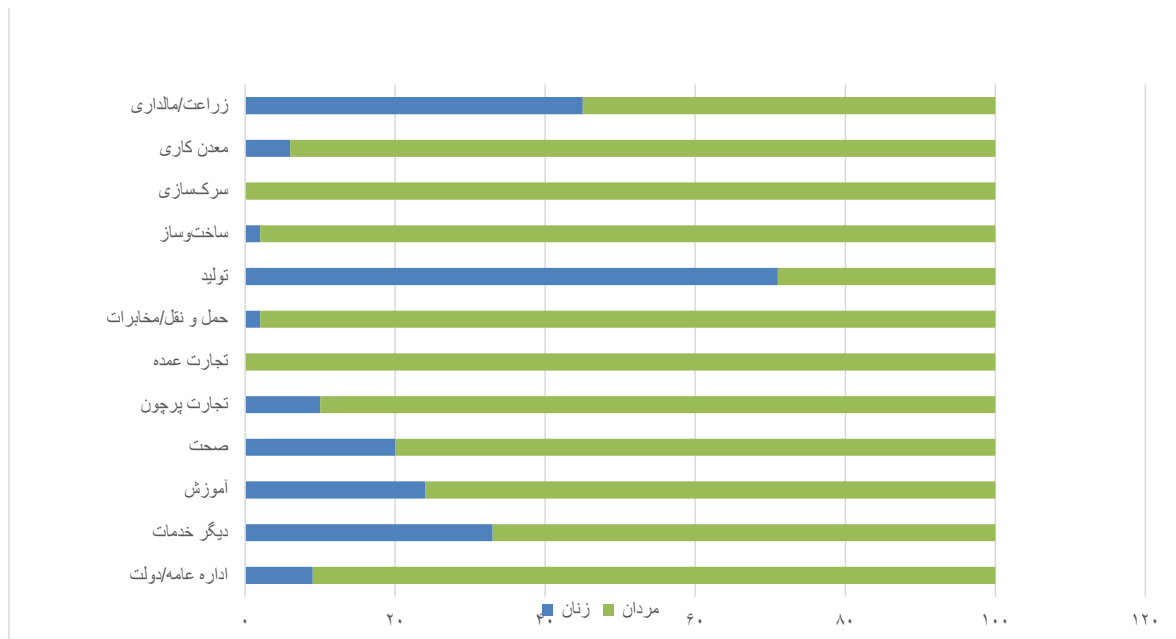
۳۶ «افغانستان در ۲۰۱۵، سروی مردم افغانستان»، کیت شاو، بنیاد آسیا. ۲۰۱۵. ص. ۱۳۹.

۳۷ اداره احصائیه مرکزی، فصل ۴: ویژگی‌های نیروی کار، گزارش ارزیابی خطر و آسیب‌پذیری ملی، ۲۰۱۱-۲۰۱۲. P.

۳۸ عدم رسمیت و انکشاف تجارت‌های کوچک در شهر کابل، AMMC، حرکت، جولای ۲۰۱۱. ص. ۲.

۳۹ فصل ۴: ویژگی‌های نیروی کار، گزارش ارزیابی خطر و آسیب‌پذیری ملی، ۲۰۱۱-۲۰۱۲، ص. ۳۹.

شده است.^{۳۰} همان گونه که در جدول ۱ نشان داده شده است، تناسب حضور زنان در بخش تولیدی پررنگ است و پس از آن در بخش مالداري. با توجه به موجودیت تجارت‌های رسمی و غیر رسمی در کشور، معلوم کردن تعداد دقیق زنان متشبه بسیار دشوار است. ولی به یاد داشته باشیم که نبود معلومات درین زمینه، از اهمیت و ارزش کار و فعالیت‌های زنان متشبه در مقایسه به مردان نمی‌کاهد. تجارت‌های که از سوی زنان تأسیس و رهبری می‌شوند، به رشد اقتصادی، تولید کار، تولید درآمد، و مهم‌تر از همه ابتکار و خلاقیت در محیط تجارتي در کشور نقش ارزنده بازی می‌کنند.



جدول ۱: تناسب حضور زنان در بخش‌های فرعی

چالش‌ها و فرصت‌های رشد همه‌شمول در افغانستان، بانک جهانی، واشنگتن دی‌سی، ۲۰۱۳. **

میزان بالای فعالیت‌های اقتصادی در بخش زراعت متمرکز شده است و این بخش یکی از بخش‌های کلیدی است که در رشد اقتصادی کشور نقش ایفا می‌کند و «۴۰٪ نیروی کار در بخش زراعت استخدام شده اند ولی میزان قابل ملاحظه‌ای این استخدام‌ها با بهره‌وری پایین و در سطوح امرار معیشت قرار دارند.»^{۳۱} باغ‌داری، زرع گندم آبی و مالداري و دام‌پروری از بخش‌هایی اند که «بزرگترین پوتانسیل تجارتي و زراعتی» را دارا می‌باشند و می‌توانند «بسیار سریع شغل و درآمد ایجاد کنند.»^{۳۲} میزان مشارکت نیروی کاری زنان در بخش مالداري «مطلقاً بیشتر از مردان است.»^{۳۳} تولیدات زراعتی از بخش‌های فرعی باغ‌داری و مالداري بخش عظیمی از صادرات افغانستان را تشکیل می‌دهند.^{۳۴} با حضور نیروهای ائتلاف بین‌المللی و مصارف در بخش بازسازی کشور پس از سال ۲۰۰۱، افغانستان شاهد سرازیر شدن پول‌های هنگفت در بخش ساخت‌وساز شد و این بخش رشد چشم‌گیری را تجربه کرد. مشارکت زنان در بخش ساخت‌وساز بسیار اندک است؛ با وجودیکه شرکت‌های ساختمانی متعلق به زنان نیز وجود داشته، ولی فعالیت درین

۳۰ فصل ۴: ویژگی‌های نیروی کار، گزارش ارزیابی خطر و آسیب‌پذیری ملی، ۲۰۱۱-۲۰۱۲. ص. ۳۵.

** این نقل و قول از «نقش زنان در آینده افغانستان، دست‌آورد‌های مهم و چالش‌های مداوم» گروه بانک جهانی، ۲۰۱۳، فصل ۱، ص. ۱۰۰. گرفته شده است.

۳۱ «سکتور خصوصی افغانستان: وضعیت و راه به سوی آینده.» ریچارد گیاسی، جیازی ژو، هینریک هالگرین. NIR، شورای بین‌المللی صنایع سویدن. ۲۰۱۴. ص. ۱۵.

۳۲ «سکتور خصوصی افغانستان: وضعیت و راه به سوی آینده.» ریچارد گیاسی، جیازی ژو، هینریک هالگرین. NIR، شورای بین‌المللی صنایع سویدن. ۲۰۱۴. ص. ۱۶.

۳۳ فصل ۴: ویژگی‌های نیروی کار، گزارش ارزیابی خطر و آسیب‌پذیری ملی، ۲۰۱۱-۲۰۱۲. ص. ۳۵.

۳۴ دستری به تاریخ ۱۹ دسامبر ۲۰۱۵. <http://annual-trade/۶۳۲۳/http://cso.gov.af/en/page/economy-statistics>.

بخش، همان‌گونه که در گزارش «تجارت در افغانستان ۲۰۱۶» نیز اشاره شده است، نیازمند سرمایه‌ی هنگفت است. سرمایه‌ی اولیه‌ای که برای راه‌اندازی فعالیت تجارتي درین بخش لازم است، این بخش را از دسترس زنان متشبهت دور می‌سازد.

صنعت حدود ۲۲٪ تولید ناخالص ملی افغانستان را تشکیل می‌دهد^{۳۵} و حدود ۹۰٪ تولیدات نیز تولیدات زراعتی تشکیل می‌دهد.^{۳۶} سرمایه‌گذاری در بخش صنعت خطرپذیری بیشتر می‌طلبد زیرا سرمایه‌گذاری درین بخش مدت زمان طولانی‌تری نیاز دارد تا موفق شود ولی تجارت پیشه‌های افغانی بیشتر علاقه‌مند سرمایه‌گذاری در بخش‌های اندک‌تر به ثمر بنشینند و سرمایه‌ی کمتر نیاز داشته باشد.^{۳۷} برای تشویق و رشد صنایع، اداره‌ی حمایت از سرمایه‌گذاری افغانستان (آیسا) و وزارت تجارت و صنایع پارک‌های صنعتی را ایجاد کرده است که در آنها دسترسی به آب و برق آسان‌تر است. علاوه بر آن، آیسا و وزارت تجارت و صنایع بسته‌های تشویقی را نیز برای زنان متشبهت پیش‌کش کرده اند تا آنها بتوانند تجارت‌های کوچک و متوسط‌شان را در پارک‌های صنعتی راه‌اندازی کنند و ازین طریق، تجارت‌های متعلق به زنان را تقویت کنند.^{۳۸}

مضاف بر آن، وزارت تجارت و صنایع پالیسی «بديل واردات» را راه‌اندازی کرده است تا صادرات کشور را با شناسایی بخش‌هایی که تولیدات داخلی آن برد بیشتر در بازار رقابت دارند، افزایش دهد؛ بخش‌های شناسایی شده به این منظور شامل تولیدات زراعتی، پوست و چرم حیوانات، قالین، ساخت‌وساز، سنگ مرمر و سنگ‌های قیمتی دیگر می‌شود.^{۳۹} با وارد کردن کالاها و پایین بودن میزان تولید داخلی، افغانستان نتوانسته اقتصادش را رشد دهد. با وجود افت رشد اقتصادی در دو سال اخیر، دورنمای تجارت افغانستان در جریان این دو سال مثبت بوده و این تجارت شامل تولیدات زراعت می‌شود که ۶۰٪ صادرات کشور را تشکیل می‌دهد.^{۴۰} یکی از دلایل احتمالی می‌تواند پایین آمدن سطح مصارف خانواده‌ها در دو سال اخیر باشد که مصرف‌کننده‌ها علاقه‌ی کمتری به کالاهای وارداتی نشان داده اند. بخش عمده‌ی صادرات را اقلام معمول صادراتی مثل قالین، میوه‌های تازه و خشک، روغن گیاهی، گیاه‌های دارویی و چرم تشکیل می‌دهد. اقلام وارداتی را اکثراً مواد نفتی و سوختی، روغن خوراکی، سبزیجات، تولیدات لبنی، قهوه، چای، گوشت و مصالحات تشکیل می‌دهد. جدول ۱ و ۲ در ضمیمه‌ی اول کالاهای وارداتی و صادراتی کشور را بر اساس سال، مقدار و قیمت خالص آن نشان می‌دهند.

۳۵ «رشد در جریان انتقال ۲۰۱۲-۲۰۱۵» وزارت تجارت و صنایع افغانستان. اکتوبر ۲۰۱۲.

۳۶ دسترسی به تاریخ ۱۹ دسامبر ۲۰۱۵.

<http://data.worldbank.org/indicator/NV.IND.TOTL.ZS>

۳۷ «متشبهتین کنونی افغانستان، حمایت از رشد بخش خصوصی در اقتصاد افغانستان» چک کاساک، اریک ملمسترام. کافمن، بنیاد تشبثی. نومبر ۲۰۱۰. ص. ۴.

۳۸ مصاحبه‌ی نویسنده با رییس آیسا.

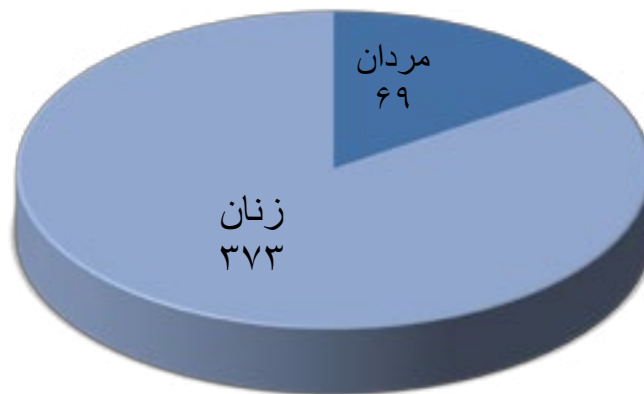
۳۹ «تطبیع استراتیژی تجارت‌های کوچک و متوسط، پلان کاری برای توسعه‌ی سکتور تجارت زراعتی در افغانستان».

۴۰ «گزارش تازه از اقتصاد افغانستان». بانک جهانی، اپریل ۲۰۱۵. ص. ۱۵.

۶. یافته‌های ابتدایی

با در نظر داشت این که ۳۶٪ جمعیت افغانستان فقیر اند و ۴۰٪ دیگر در معرض فقر قرار دارند، فعالیت‌های اقتصادی زنان یک امر مهم در ثبات معیشت به حساب می‌آید. وضعیت نیم‌بند سیاسی و ناامنی دورنمای فعالیت زنان را در بازار تیره‌تر و پیچیده‌تر می‌کند. با این حال، فعالیت‌های زنان در عرصه‌ی تجارت می‌تواند تأثیرات قابل ملاحظه روی اقتصاد خانواده‌ها، به خصوص خانواده‌های فقیر داشته باشد، و مضاف بر آن، همان گونه که یافته‌های ارزیابی سریع بازار نشان می‌دهد، از طریق ایجاد شغل‌های جدید می‌تواند روی اقتصاد کشور بصورت کلی تأثیرات مثبت داشته باشد. از میان ۳۰ تجارت که درین تحقیق مورد مطالعه قرار گرفتند، صاحبان ۱۷ تجارت در فعالیت‌های شان کارمند استخدام کرده اند. تعداد کارمندانی که از سوی این تجارت‌ها استخدام شده اند،^{۴۱} به ۴۲۲ نفر می‌رسد.

نمودار ۲: شغل‌های ایجاد شده

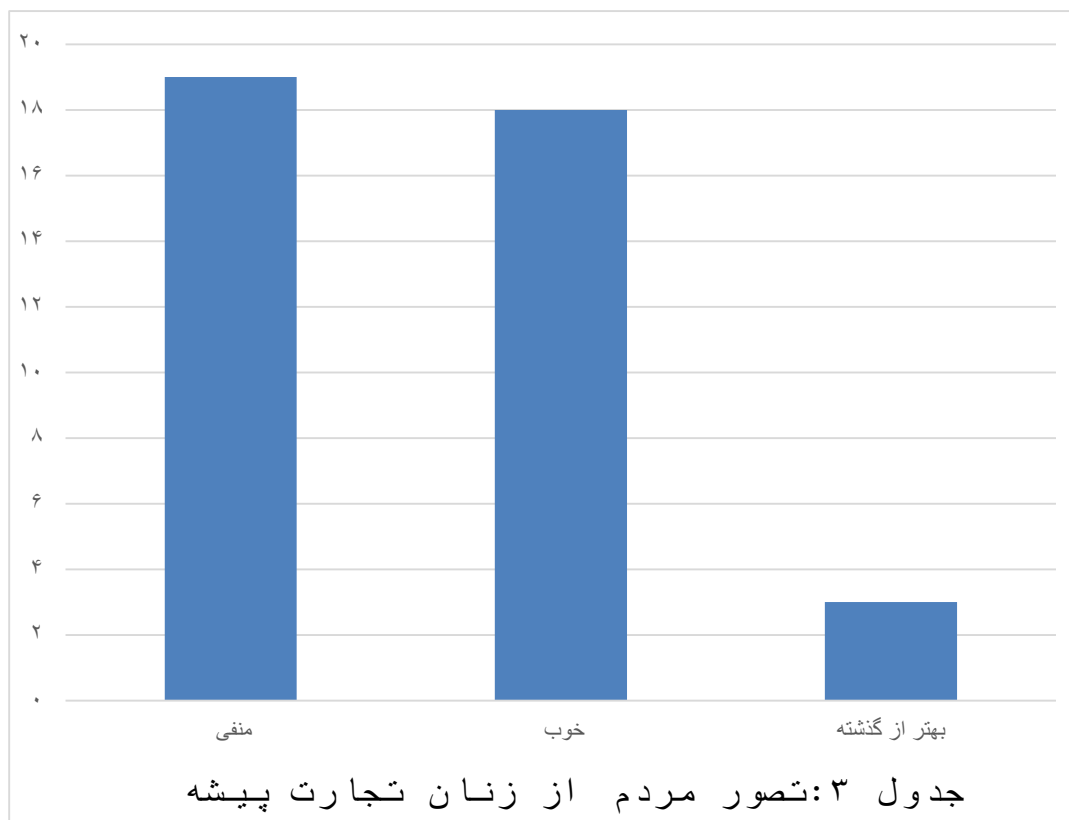


تجارت‌های متعلق به زنان، چه تجارت‌های فردی چه تجارت‌هایی که منجر به شغلزایی شده اند، تفاوت‌هایی را در چگونگی فعالیت تجاری داشتند که می‌شود این تفاوت‌ها را به سطح سواد، دانش و تجربه‌ی آنها در بازار کار نسبت داد. آن‌هایی که سواد نداشتند، و از هیچ حمایتی نیز بهره‌مند نبودند، معمولاً به شیوه‌های سنتی کار و بار شان را پیش می‌برند. به عنوان نمونه، زنانی که لباس می‌دوزند، تنها به مشتریان کنونی خود اکتفا می‌کنند و بیشتر مشتریان شان را همسایه‌های شان تشکیل می‌دهند ولی آن عده زنانی که فارغ از مکتب بودند، و از نهادها و موسسات مختلف حمایت دریافت می‌کردند، شیوه‌های جدید و نوینی را برای اداره کار و بار خود به کار می‌بندند. یکی از زنان متشبهه که درین اواخر تجارت خود را از پروان به کابل منتقل کرده است، خودش بازاریابی می‌کند و از خانواده‌ها دیدن می‌کند تا خانواده‌هایی را که نیاز به برق آفتابی دارند پیدا کند. واضح است که زنانی که محدودیت‌های کمتری برای کار کردن بیرون از منزل دارند، دیدگاه متفاوت‌تری از تجارت دارند در مقایسه به زنانی که اجازه معاشرت و تعامل در بیرون از خانه را ندارند.

اعضای خانواده مثل شوهر، برادر و فرزندان در تجارت زنان بسیار نقش حیاتی دارند. بسیاری از تعاملات و انجام معامله با دیگران از طریق اعضای خانواده‌ی آنها صورت می‌گیرد و تعامل زنان متشبهه و معاشرت آنها با دیگران محدود است. کارمندان مرد اکثراً برای انتقال کالاهای تولید شده به دکان‌ها و عمده‌فروشی‌ها استخدام می‌شوند. در

۴۱ بسیاری از زنان در خانه‌های شان کار می‌کردند و از طریق دست‌دوئی درآمد بدست می‌آوردند. فرصت‌های کاری در تجارت‌هایی که مورد مطالعه قرار گرفت، با تعریف شغل که از سوی اداره‌ی احصائیه مرکزی ارایه شده مطابقت دارد. «تمام کسانی که به سن ۱۴ سالگی رسیده اند یا بیشتر از آن سن دارند، و در جریان یک هفته، کار با معاش داشته یا اشتغال شخصی داشته باشند و حد اقل برای هشت ساعت در روز کار کنند.»

عین حال، کارمندان مرد (به شمول اعضای خانواده) خریداری مواد اولیه (مواد خام) را نیز برای آنها انجام می‌دهند تا آنها خدمات/تولیدات خود را ارزیابی کنند. زنان متشبهت ای که مصاحبه شدند، اظهار کردند که جامعه هنوز آماده نیست که زنان متشبهت را بپذیرند و فعالیت‌های آنان را مثل مردان تحمل کنند. جدول ذیل (جدول ۳) پاسخ‌های مربوط به نگاه جامعه به فعالیت‌های تجاری زنان را بصورت خلاصه ارزیابی می‌کند. کسانی که «خوب» پاسخ دادند، کار و بار برای مشغولیت فردی داشتند و این کار و بار را از خانه‌های شان اداره می‌کردند. محور x دیدگاه پاسخ‌دهنده‌ها را نشان می‌دهد و محور y تعداد پاسخ‌دهنده‌ها را.



فرصت‌های بصورت کلی به لحاظ جنیست برابر نیستند و تا حد زیادی این فرصت‌های نابرابر از سوی دولت و تمویل‌گران ایجاد می‌شوند. به عنوان مثال، یک زن تجارت پیشه^{۴۲} که ده سال پیش از سوی یکی از حامیان حقوق زن به باغ زنانه دعوت شده بود (بازاری در کابل که برای زنان ایجاد شده و تنها در دسترس آنها قرار دارد) توانست از آن طریق به برنامه‌ی «فکر جدید» اداره‌ی انکشاف بین‌المللی ایالات متحده‌ی آمریکا راه پیدا کند. او از طریق حمایت این اداره توانست تجارت کوچک مصالحات را راه‌اندازی کند. با این حال، چنین فرصت‌های برای زنانی که حق بیرون شدن از خانه را ندارند، میسر نمی‌شود و معمولاً زنانی که در بخش خیاطی در خانه کار می‌کنند، که اجازه‌ی فعالیت بیرون از خانه را ندارند.

برای بسیاری از زنان تجارت‌پیشه، تصمیم آغاز فعالیت تجاری یا شروع کسب و کار به منظور سهم‌گیری در درآمد خانه به عنوان نان‌آور بوده است؛ لازم به یادآوری است که پاسخ‌دهندگانی که تحصیلات عالی داشتند، به کار شان علاقه‌مند بودند. انتخاب تجارت و کار و بار برای زنانی که سواد نداشتند، بیشتر متأثیر از ماحول شان^{۴۳} بوده و در شروع هیچ معلوماتی از وضعیت بازار نداشتند. فعالیت در کار و بار یا میراث خانوادگی زنان بی‌سواد بوده یا هم تحت تأثیر افراد دور و بر شان به کارهایی که به سادگی در دسترس هستند، رو آورده اند.

۴۲ بنا به توافق محرم بودن اطلاعات با پاسخ‌دهنده‌گان، نویسنده از ارزیابی نام، موقعیت، و نوع تجارت متشبهتین اجتناب می‌کند.

۴۳ «محیط» باید به معنای وسیع آن در نظر گرفته شود که شامل آزادی‌های فرهنگی و اجتماعی نیز می‌شود.



جدول ۴: سهم‌گیری زنان متشبهت در درآمد خانه

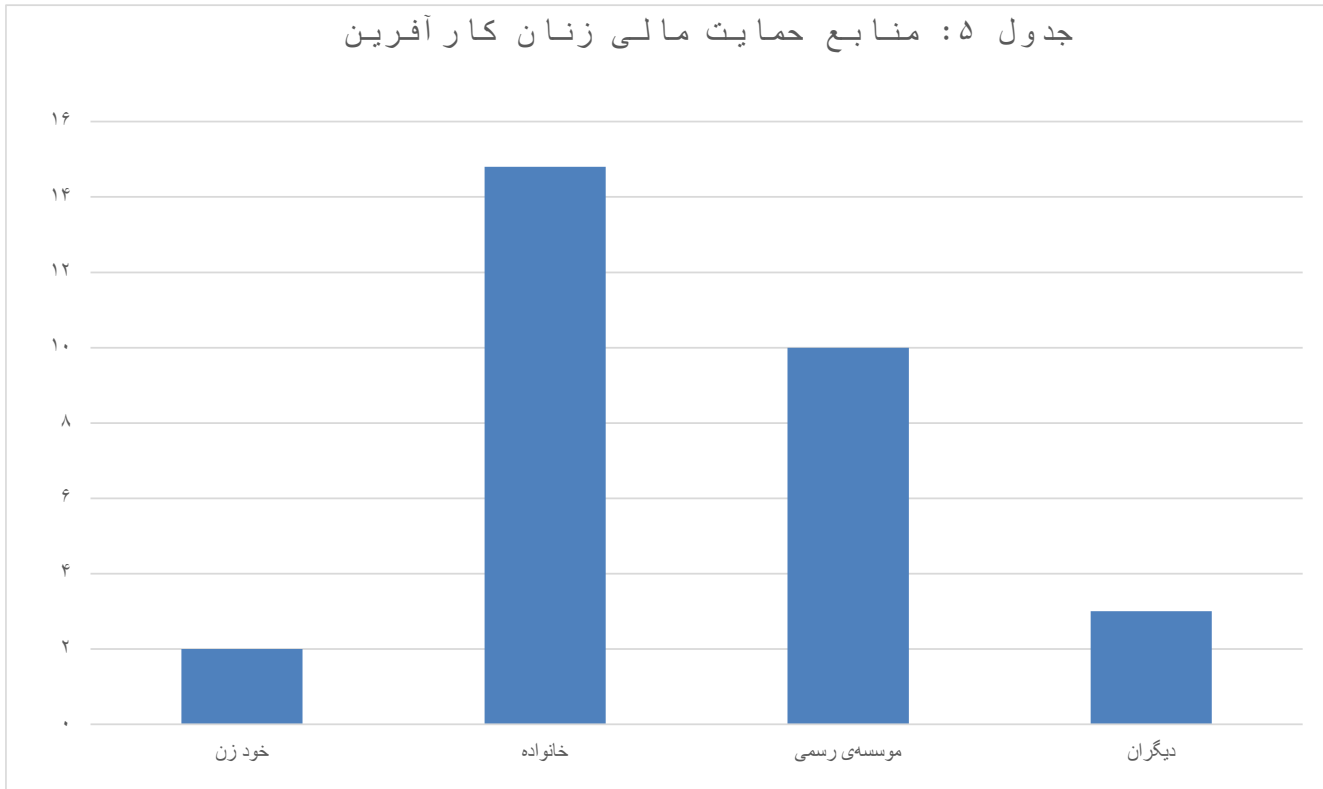
موانعی که فراوری فعالیت زنان متشبهت قرار دارند، متعدد اند و به لحاظ نوع تجارت، تجربه‌ی آنها در بازار و موقعیت کار و بار شان، شدت هر مانع متفاوت است. موانع اجتماعی و فرهنگی برای آن عده از زنانی که تجارت‌های کوچک و متوسط راه‌اندازی کرده اند و تنها مشتریان زن دارند، جدی نیست. ولی نمی‌شود این نتیجه را تعمیم داد زیرا در کابل برنامه‌های آگاهی‌دهی بیشتر در مورد حقوق زنان در یک دهه‌ی گذشته صورت گرفته و این برنامه‌ها توانسته فضا را اندکی تغییر دهد ولی اذیت و آزار در جریان رفت و آمد میان محل کار، خانه و بازار هنوز هم یکی از نگرانی‌های این زنان است. پاسخ‌دهندگان خاطرنشان کرده اند که بصورت عموم به زنان اجازه داده نمی‌شود به منظور کار و بار از خانه بیرون بروند یا با بیرون ارتباط برقرار کنند. برای مؤسسات قرضه‌های کوچک دریافت معلومات کامل مشتریان زن به منظور اعطای قرضه به آنها، مخصوصا در ولایت‌هایی که این مؤسسات فعالیت دارند، مشکل است.^{۴۴} با وجودی که مؤسسات قرضه‌های کوچک کارمندان زن استخدام کرده اند تا با مشتریان زن همکاری کنند و در کنار آن خدمات ویژه‌ی قرضه برای خانم‌ها را پیش‌کش کرده اند، ولی هنوز هم بسیاری از زنان اجازه ندارند عکس و دیگر معلومات لازم برای دریافت قرضه را در اختیار این مؤسسات قرار دهند.

دو ویژگی عام و معمول زنان متشبهت از همه بیشتر جلب توجه می‌کرد:

- زنان متشبهت که مصاحبه شدند از حمایت و دخیل بودن اعضای خانواده در تجارت شان برخوردار بودند و تعداد بسیار محدود شان تجارت مستقل داشتند. اعضای مرد خانواده‌ی آنها معمولا تعامل با بازار و برقراری ارتباط با مشتریان را به نمایندگی از آنها عهده دارد بودند.
- محل کار و تجارت تمام زنان متشبهت که درین تحقیق مصاحبه شدند، خانه بود؛ به دو دلیل، (الف) در صورت کرایه دکان یا جای دیگر، صاحب دکان کرایه بالا تقاضا می‌کند و (ب) عواید کار و بار به اندازه‌ی نیست که هزینه‌های اضافی مثل پول برق تجارتي را تکافو کند.

زنان متشبهت دسترسی به پول و جای‌داد را عامل عمده فراوری فعالیت‌های شان برشمردند. آنانی که موفق به دریافت قرضه از بانک‌ها شده بودند، از نرخ بالای سود و مبلغ بالای بازپرداخت شکایت داشتند و آن عده که موفق به دریافت قرضه نشده بودند، بخاطر نداشتن جای‌داد و زمین به عنوان ضمانت، نتوانسته اند قرضه دریافت کنند. معلومات در رابطه به بانک‌داری اسلامی/روزنه‌ی قرضه، که موضوع نسبتا جدید می‌باشد، و قرضه‌هایی کوچکی که از سوی مؤسسات قرضه‌های کوچک پیش‌کش می‌شوند، محدود و در مواردی اصلا وجود نداشتند. جدول ۵ نشان می‌دهد که از میان ۳۰ زن متشبهت که مورد مطالعه قرار گرفتند، ۱۵ تن شان برای دریافت قرضه حمایتی برای کار و بار شان به خانواده (اکثرا شوهران شان) متوسل شده اند و شوهران شان در تجارت آنها دخیل اند.

جدول ۵: منابع حمایت مالی زنان کار آفرین



گردش معلومات عمومی در مورد فرصت‌ها و تجارت در میان زنان متشبهت‌ی که مورد مطالعه قرار گرفتند، محدود بود. معلومات در مورد موسسات و نهادهای خصوصی، دولتی و غیر دولتی بسیار محدود و در مواردی صفر بود. کسانی که ادعا می‌کردند از چنین فرصت‌هایی باخبر اند نتوانستند حتی یکی از این موسسات را نام ببرند و در عین از عدم دسترسی به پول را به عنوان مانع اصلی برشمرده بودند. در حالی که زنانی که محدودیت‌های کمتری در تعامل با بازار داشتند، اطلاعات بیشتری در مورد حمایت‌ها و خدمات موسسات رسمی داشتند. تجارت‌های که مورد مطالعه قرار گرفتند اکثر از مشتری‌ها و دیگرانی که در عین کار مشغول بودند، اطلاعات و معلومات بدست می‌آوردند. متشبهتین‌ای که آموزش‌های حرفه‌ای دیده بودند، از شیوه‌های مختلف برای کسب معلومات در باره محصولات در بازار استفاده می‌کردند. مثلاً، یکی از زنانی که تجارت دست‌دوزی و لباس دوزی دارد، معمولاً به مارکیت‌های لباس سر می‌زند تا به عنوان یک مشتری در مورد مد، طرح‌های که در دکان‌ها به نمایش گذاشته می‌شوند و تولیدات جدید معلومات جمع‌آوری کند. دسترسی به معلومات بازار به زنانی محدود می‌شد که اجازه داشتند به منظور بهبود کار و بارشان بیرون از خانه فعالیت کنند و از حمایت‌های موسسات نیز بهره‌مند بودند. زنانی که تجارت‌های پیچیده‌تر داشتند، از آزادی تصمیم‌گیری مستقلانه بهره‌داشتند ولی زنانی که در مرغداری، خیاطی، و مالداري مشغول بودند، چنین آزادی نداشتند.

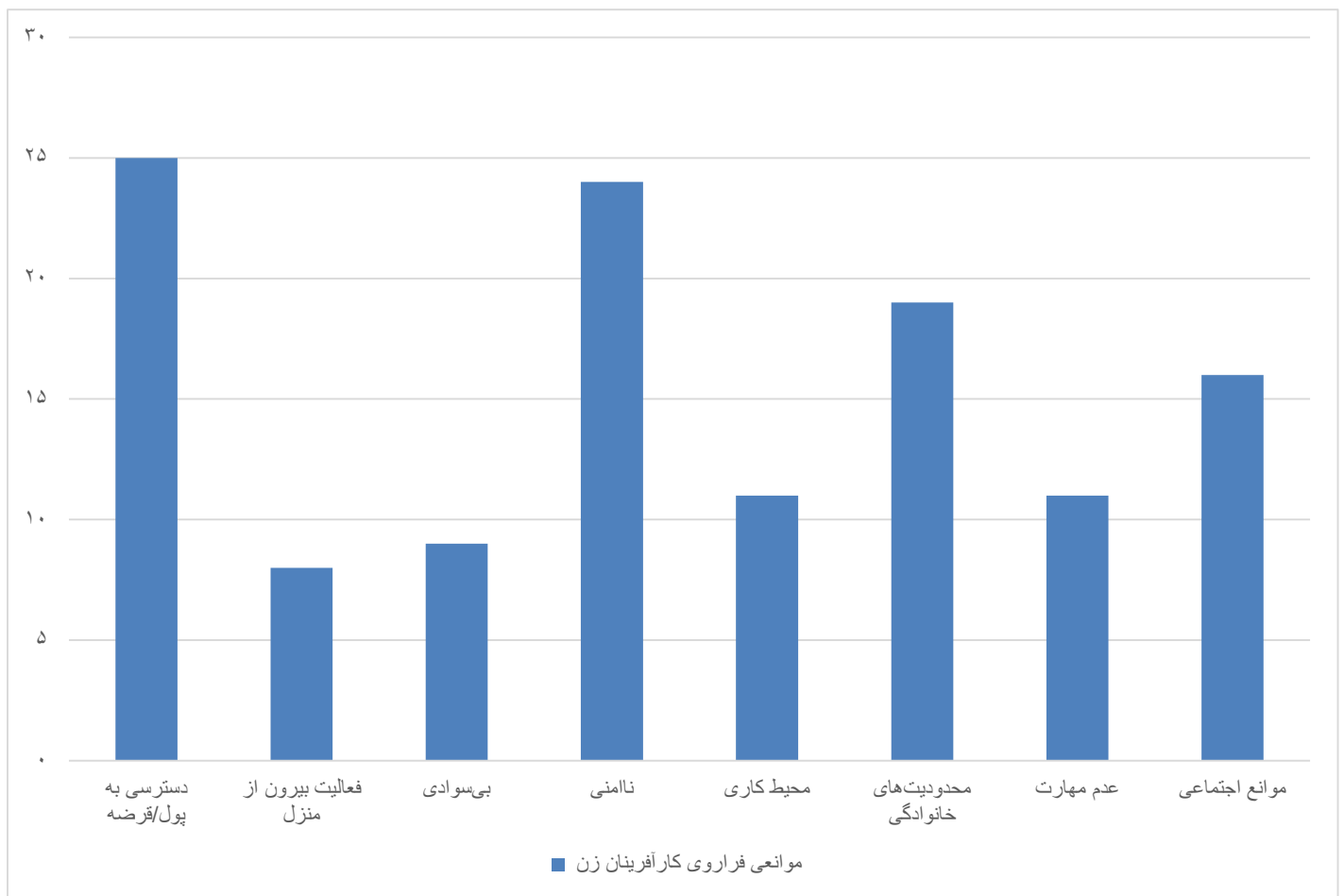
علاوه بر مشکل امنیت، چالش‌ها و موانعی که فراروی زنان متشبهت قرار دارند، نظر به نوع تجارت آنها متفاوت است ولی بیشترین چالش‌ها فراروی فعالیت‌های زنان مشترک‌اند. مشکلات امنیتی اکثراً به عنوان یک مشکل عام مطرح می‌شد ولی مشکلات مشخص امنیتی مثل تهدیدات اجتماعی از سوی حد اقل چهار خانم متشبهت در جریان این مطالعه مطرح شد. مشکلات امنیتی یک چالش سراسری در کشور است و این تحقیق تصمیم ندارد با تمرکز روی آن از اهداف این مطالعه خود را دور کند. متشبهتین به موانع ذیل اشاره کردند:

- دسترسی به پول/قرضه: مانع اصلی عدم دسترسی به پول/قرضه محدودیت‌های اجتماعی و خانوادگی بود. زنان ازین ناحیه نگرانی داشتند که خانواده‌های آنها روی توانایی‌های آنها اعتماد نمی‌توانند به همین دلیل ضمانت لازم برای قرضه‌گیری از بانک‌ها را در اختیار آنها قرار نمی‌دهند و خودشان نیز برای دریافت قرضه‌های کوچک از موسسات

قرضه‌های کوچک، آنها را ضمانت نمی‌کنند.

- دسترسی به جایداد: دسترسی به جایداد و زمین از لازمه‌های مهم دریافت قرضه است ولی از آنجایی که زنان به لحاظ فرهنگی از حق داشتن و به ارث بردن جایداد و زمین محروم اند، نمی‌توانند قرضه دریافت کنند.
- موانع اجتماعی: برای متشبهین ئیکه در کابل فعالیت دارند، این موضوع نگرانی جدی نبود ولی بصورت کلی برای عموم زنان یک نگرانی جدی به حساب می‌آید. متشبهین اعتراف کردند که شرایط و فضا برای فعالیت زنان در کابل در طول دهه‌ی گذشته تغییر کرده است ولی نگرانی‌ها از آزار و اذیت و تهدیدات هنوز هم پا بر جاست.
- محیط کاری: متشبهین ئیکه در تجارت‌های تولیدی مشغول اند، از ناحیه‌ی هزینه‌ی جای و برق برای تأمین مکان مشخص برای کار و بارشان نگران بودند. آنها تجارت‌های شان را در خانه پیش می‌برند ولی برای توسعه‌ی تجارت‌شان بیرون از خانه، این چالش یکی از موانع مهم فراروی شان به حساب می‌آید.

متشبهین ئیکه درین تحقیق مصاحبه شدند، موانعی را برشمردند که بصورت مختصر درین جدول مشاهده می‌شود.



در جریان مرور این تحقیق، یک تعداد موانعی شناسایی شدند که از سوی پاسخ‌دهندگان درین تحقیق نیز به آنها اشاره شد. بر اساس موانعی که از قبل در جریان مرور تحقیق شناسایی شده بود، یک کارت نمره‌دهی طرح و تهیه شد. این کارت نمره‌دهی به ما کمک می‌کند دامنه‌ی این موانع را از دیدگاه زنان به اساس تجربه‌ی آنها و معلوماتشان در این مورد، یا هر دو، شناسایی کنیم. نمره از ۰ الی ۴ است که صفر نشان می‌دهد که مانع یاد شده مانع نیست ولی نمره‌ی ۴ نشان می‌دهد که مانع یاد شده، بسیار جدی است. موانع و نمره‌های که از سوی پاسخ‌دهندگان به آنها داده شده، در جدول زیر آمده اند.

۰-اصلا مانع نیست، ۱-مانع جدی نیست، ۲-تا حدودی مانع است، ۳-مانع جدی است، ۴-مانع خیلی جدی است.

شماره	توضیح مانع					
	4	3	2	1	0	
1	6	8	6	3	4	محدودیت‌های اجتماعی-فرهنگی (محدودیت کار بیرون از منزل)
2	12	4	5	2	1	رشته ستانی
3	4	13	6	0	1	عدم دسترسی به فرصت‌ها (مثلا فرصت‌های سرمایه‌گذاری و تجارت)
4	18	2	1	3	0	عدم دسترسی به پول و قرضه
5	18	2	1	3	0	عدم دسترسی به زمین (مثلا زمین به عنوان ملکیت، داشتن زمین از طریق خریداری یا ارث، برای ضمانت)
6	4	8	3	3	6	عدم دسترسی به زیرساخت‌های اولیه، برق و آب
7	6	5	3	5	5	عدم دسترسی به نیروی کار ماهر
8	6	7	6	2	3	عدم توانایی تقویت تولیدات (مثلا تقویت تولید و بازاریابی برای آن)
9	15	5	2	2	0	عدم موجودیت حامیان انکشاف تجارت (مثلا حمایت‌های فنی برای تقویت تجارت از طریق موسسات خصوصی، دولتی یا غیر دولتی)

محدودیت‌های اجتماعی-فرهنگی، رشته‌ستانی، عدم دسترسی به زمین، عدم دسترسی به قرضه و پول و عدم موجودیت حمایت‌های تجاری محدودیت‌های شدید و جدی فراروی متشبهین زن به حساب می‌آیند. عدم دسترسی به فرصت‌ها به عنوان یک مانع برای متشبهین است و به توضیحات قبلی در باره فرصت‌های دولتی یا فرصت‌هایی که از طریق تمویل‌کننده‌ها ایجاد می‌شوند، بر می‌گردد.

۷. ماتریکس درجه‌بندی شده

ماتریکس درجه‌بندی شده دیدگاه‌هایی را در بر دارد که کارشناسان بر اساس دانش و تخصص شان ارایه کرده اند بنابراین روش علمی نیست که بتوان بر اساس آن آمار و شواهدی را مبنی بر امکان موفقیت بخش‌های بازار استنتاج کرد. ۷ کارشناس در سطح ملی دیدگاه‌های شان را در قالب نمره که در محور x نشان داده شده، و با در نظر داشت عاملی که روی محور y نشان داده شده است، در رابطه به بخش‌های فرعی بیان کرده اند. این بخش‌های فرعی، همان گونه که در بخش‌های پیشین نیز توضیح داده شد، تعداد زیادی از زنان را در بازارهای فعلی کار در سراسر کشور جذب کرده اند.

#	نمره/خورده بخش	لباس	مالداری	لبنیات	باغدار ی	پرچون
1	اندازه‌ی بازار (۱ = پایین، ۴ = بالا)	26	21	23	19	18
2	حمایت دولتی و غیر دولتی (۱ = پایین، ۴ = بالا)	24	16	14	15	10
3	ورود به بازار (۱ = پایین، ۴ = بالا)	27	25	18	21	12
4	فرصت رشد بازار (۱ = پایین، ۴ = بالا)	24	24	24	24	22
5	تقاضای برای محصول/خدمات (داخلی و خارجی) (۱ = پایین، ۴ = بالا)	25	27	25	27	19
6	حضور زنان (۱ = پایین، ۴ = بالا)	25	24	12	13	10
7	توانایی زنان برای ورود به بازار (۱ = پایین، ۴ = بالا)	26	25	18	18	16
8	فرصت‌های رشد تجارت‌های کوچک و متوسط متعلق به زنان (۱ = پایین، ۴ = بالا)	27	23	23	24	22
9	سرمایه‌ی لازم (۱ = پایین، ۴ = بالا)	19	18	14	18	18
10	دسترسی به منابع (زیرساخت‌های اولیه، سرمایه انسانی، دسترسی به پول و غیره) (۱ = پایین، ۴ = بالا)	20	20	13	20	14
11	موانع فراروی زنان (۱ = پایین، ۴ = بالا)	22	22	17	17	10
	درجه‌بندی کلی					

بر اساس نمراتی که برای هر عامل از ۱-۴ در نظر گرفته شده است، بخش لباس بیشترین امکان موفقیت را در بازار کنونی برای خانم‌ها دارد و بخش‌های مالداری و باغ‌داری به ترتیب در رده‌های دوم و سوم قرار دارند. با وجودی که بخش پرچون پوتانسیل بالای در بازار کنونی برای خانم‌ها دارد، کارشناسان شانس موفقیت خانم‌ها درین بخش را با توجه به موانع اجتماعی اندک ارزیابی کرده اند. این تحقیق بخش‌ها را به صورت ذیل دسته‌بندی کرده است:

دسته‌بندی سکتورهای فرعی							
تغذیه حیوانات	مالداری	تولیدات شیری در فارم‌ها و تولیدگاه‌های لبنیات	لبنیات	تولید روغن نباتی	باغ‌داری	صنایع دستی، علاوه بر موارد پایین	لباس
				گیاه‌ها		پشم‌ریسی	
				باغ‌داری		خیاطی	
				گیاه‌های دارویی		دست‌دوزی	
				سماق‌ها		قالین‌بافی	
میومجات							
جمع‌آوری علوفه		تولید ماست در فارم‌ها و تولیدگاه‌های لبنیات					
دام‌پروری							

با وجودی که چنین دسته‌بندی بخش‌های بازار معیاری نیست، این کار به دلیل قرار دادن تجارت‌هایی که باهم رابطه‌ی نزدیک دارند، در یک بخش انجام شده است.

۸. نتیجه‌گیری

پذیرش زنان در جامعه مهم‌ترین مانعی است که فعالیت‌های زنان را محدود می‌کند: کار کردن بیرون از منزل را تحت تأثیر قرار می‌دهد، انتخاب شغل را محدود می‌کند و مالکیت زمین و جایداد را نیز با محدودیت مواجه می‌کند. فعالیت‌های سنتی اقتصادی که اکثراً در محیط خانه انجام می‌شوند مورد پذیرش جامعه قرار دارد ولی تجارت‌های پیچیده‌تر چنین نیست و درین حوزه زنان معمولاً متکی به حمایت مردان اند. این اتکا در برخی موارد نقش خانم متشبهت را در تصمیم‌گیری مرتبط به تجارتی که متعلق به اوست، تضعیف می‌کند.

جایگاه زنان در جامعه منابع مالی را متأثر کرده و دسترسی به آموزش و دانش را نیز برای آنها محدود کرده است. عدم اعتماد به توانمندی زنان در تجارت یکی از موانعی جدی فراروی زنان متشبهت است. مشکلاتی که زنان در بخش مالی با آن مواجه اند، شامل موارد ذیل می‌شوند:

بدست آوردن سرمایه‌ی اولیه برای شروع یک شرکت؛

• ضمانت لازم برای بدست آوردن پول و قرضه از موسسات رسمی؛

• زنان نمی‌توانند مثل مردان از مجراهای غیر رسمی پول و قرضه بدست بیاورند.

برنامه‌های آموزش حرفه‌ی تا حدودی موفق و مؤثر بوده اند ولی این تحقیق بنا ندارد معیارهای آموزش را بصورت کلی ارزیابی کند ولی زنانی که این آموزش‌ها را فراگرفته بودند، از برنامه‌های آموزشی ابراز رضایت کردند. بی‌سوادی و سطح پایین دانش یکی از موانع مهم فراروی زنان متشبهت میباشد زیرا چنین آموزش‌هایی برای زنان بی‌سواد مؤثریت ندارد و متشبهتین مؤثریت چنین برنامه‌ها را درک نمی‌کنند.

۹. پیشنهادات برای پالیسی سازی

این تحقیق تجارتهای متعلق به زنان متشبهت را مورد مطالعه قرار داده است تا موانعی را که فراروی رشد این تجارتهای قرار دارند را شناسایی کند. تأثیرات متشبهت زن روی رشد اقتصادی بسیار چشمگیر است از همین رو، اگر ازین امکان استفاده شود، نقش آفرینی زنان می تواند فرصتهای بیشتر رشد را در بازار بوجود بیاورد. پالیسی سازان به موارد زیر توجه کنند:

- استراتژیهای رشد اقتصادی را بر اساس جنیست تفکیک کنند تا اطمینان حاصل شود که زنان متشبهت بیشترین سود ازین استراتژیها می برند.

استراتژیهایی مرتبط به رشد اقتصادی نظیر استراتژی انکشاف بخش خصوصی نیز باید بر اساس جنیست تفکیک شوند تا اطمینان حاصل شود که توجه کافی و مؤثر به فعالیتهای اقتصادی زنان مبذول شده است. توجه بیشتر زمینههای نهادی قوی تر را برای زنان متشبهت ایجاد می کند و فضای مناسب تر برای فعالیتهای تجاری زنان را فراهم می کند. در کشورهایی چون افغانستان، بیشتر برای مردان قابل دسترس است تا زنان. پالیسیها و استراتژیهای مشخص می تواند امکان رشد اقتصادی زنان متشبهت را در جامعه حمایت کند.

- زمینههای شبکه سازی برای زنان باید تقویت و توسعه داده شوند و در رابطه به برنامهها و پروژههای مختلف و متنوعی که روی تجارتهای زنان متمرکز اند، برای آنها آگاهی دهی صورت بگیرد.

معلومات در مورد حمایتهای مؤسسات رسمی در میان متشبهت زن محدود است و این امر باعث می شود آنها نتوانند از فرصتهای موجود استفاده کنند. شبکههای زنان و نهادهای دادخواهی زنان باید زنان متشبهت را به هم وصل کنند و به آنها در مورد چگونگی تنظیم تجارت و فعالیتهای شان و محیط تجارتهای معلومات بدهند.

- در رابطه به تجارتهای متعلق به زنان اطلاعات جمع آوری شود و وضعیت زنان متشبهت در کشور بصورت منظم مورد مطالعه و بررسی قرار بگیرد تا به نیازهای آنها و موانعی که فراروی کسب و کار آنها قرار دارند، رسیدگی شود.

تجارتهای زنان متشبهت باید بصورت دقیق تر مورد مطالعه قرار بگیرند و باید از مطالعه کلی تجارتهای کوچک و متوسط تفکیک شود. برای تقویت وضعیت متشبهتین زن، لازم است روابط تجاری آنها و متغیرهایی را که آنها تحت تأثیر آنها فعالیت می کنند مطالعه و شناسایی شود. اطلاعات و معلومات جمع آوری شده در مورد تجارتهای متعلق به زنان بصورت منظم به پالیسی سازان کمک می کند تصمیم آگاهانه اتخاذ کنند تا فرصتهای رشد و حمایت تجارتهای آنها فراهم شود.

- مشارکت کاری زنان در بازار از طریق برنامههای سوادآموزی و آموزشهای حرفه ای افزایش داده شود.

سواد و دانش از طریق برنامههای آموزشی و برنامههای تعلیمی بخش بسیار مهم و اساسی متشبهتین به حساب می آید. برای افزایش مشارکت زنان در نیروی کار، آموزشهای حرفه ای و برنامههای سوادآموزی باید روی دست گرفته شود تا سرمایه انسانی در میان زنان متشبهت ایجاد و افزایش داده شود. این نکته بسیار کلیدی و مهم است که برنامههای تشبثی باید در دانشگاههای دولتی و خصوصی شامل شود. از طریق چنین برنامههایی در نظام آموزشی، مهارتهای زنان متشبهت ارتقا می یابد.

- برای بهبود جایگاه زنان در جامعه باید با نهادهای جامعه مدنی هم کاری صورت بگیرد و از برنامههای دادخواهانه

برای آموزش و آگاهی‌دهی عمومی در رابطه به حقوق زنان و تأثیر زنان متشبهت بر اقتصاد، حمایت شود. نهادهای جامعه‌ی مدنی با حمایت نهادهای رسمی باید در راستای ارتقای جایگاه زنان در جامعه از طریق برنامه‌های دادخواهی و آموزش حقوق زنان به مردان و زنان تلاش کنند. تحقیقات (همان‌طوری که در بخش اول یادآوری شد) نشان می‌دهد که کمبود آگاهی زنان از حقوق قانونی شان باعث می‌شود عزم زنان در ادعای حقوق شان ضعیف شود. برای رفع محدودیت‌های اجتماعی زنان، برنامه‌های دادخواهی باید به مردان در مورد حقوق قانونی و مذهبی زنان آموزش بدهند.

- تأثیرات پالیسی‌های قرضه‌های کوچک تجارتي بر زنان تجارت‌پشیه مورد ارزیابی قرار بگیرد و از یافته‌های آن در مرحله‌ی طرح و ترتیب پالیسی‌ها و برنامه‌ها استفاده شود. دولت باید اقداماتی مؤثر برای پالیسی‌های مرتبط به تجارت زنان را شناسایی و تطبیق کند. پالیسی‌ها ممکن است نتایج متفاوتی بر فعالیت‌های تجارتي مردان و زنان داشته باشند؛ این متغیرهای هنگام طرح و تهیه‌ی پالیسی‌ها باید مد نظر قرار بگیرند. پالیسی‌سازان باید تأثیرات پالیسی‌های کنونی را مورد بررسی و ارزیابی قرار دهند تا پالیسی‌های آینده را بهتر طرح و تهیه کنند که برای تجارت‌های متعلق به زنان مؤثر باشند. ارزیابی برنامه‌ها و پالیسی‌ها حایز اهمیت است و به پالیسی‌سازان کمک می‌کند مؤثریت برنامه‌های پیشین را درک کرده و مواردی را که نیاز به بهبود دارند، شناسایی کنند.

ضمیمه ۱: جدول ها

جدول ۲: صادرات افغانستان

#	توضیحات	Y2010	Y2011	Y2012	Y2013	Y2014	سهم	افزایش
1	میوه تازه و خشک	4,436	2,958	3,986	5,678	9,153	34%	61%
2	کشمش	2,475	1,851	2,082	1,547	3,152	12%	104%
3	دانه‌های روغنی	1,514	1,461	1,513	2,603	2,945	11%	13%
4	مواد سوخت نفتی	58	540	704	1,115	1,865	7%	67%
5	سبزیجات	896	750	578	1,814	1,501	6%	-17%
6	چرم	431	365	616	601	1,000	4%	66%
7	قالین	337	238	252	614	938	4%	53%
8	گونه‌های حیوانات	339	204	333	408	921	3%	126%
9	پنبه	262	378	408	2,261	917	3%	-59%
10	حیوانات	241	89	144	494	479	2%	-3%
11	تکه‌های پشمی	552	491	522	702	411	2%	-41%
12	سمنت، نمک، مواد کچ، سنگ	990	158	272	331	404	2%	22%
13	مرواریدهای طبیعی و غیرطبیعی	78	139	183	162	398	1%	145%
14	دیگر اقلام	812	1,822	3,119	953	2,537	10%	166%
	مجموع (به میلیون افغانی)	13,421	11,444	14,711	19,285	26,621	100%	38%
	مجموع (به میلیون دالر)	288	245	289	347	464		34%

منبع: ریاست تجارت بین المللی، وزارت تجارت و صنایع، گزارش سالانه ۲۰۱۴

جدول ۳: واردات افغانستان

#	توضیحات	2010	2011	2013	2012	2013	2014	سهم	افزایش
1	نفت و تیل	52,239	52,231	72,841	56,409	72,841	56,261	15%	-23%
2	روغن خوراکی	6,427	12,301	25,129	19,399	25,129	31,559	9%	26%
3	تولیدات صنایع آسیا	13,822	14,530	21,476	21,794	21,476	26,451	7%	23%
4	وسایط نقلیه و پرزجات	54,764	61,916	24,214	43,898	24,214	25,066	7%	4%
5	آهن و فولاد	18,118	32,563	29,123	35,392	29,123	23,833	6%	-18%
6	الیاف مصنوعی	7,597	10,790	17,970	12,094	17,970	23,509	6%	31%
7	سمنت ، خاک و سنگ	9,704	15,965	16,869	17,560	16,869	15,301	4%	-9%
8	ماشینها و وسایل برقی	14,557	21,557	15,098	18,970	15,098	13,840	4%	-8%
9	شکر و مواد قندی	5,102	5,049	5,181	3,576	5,181	10,564	3%	104%
10	قهوه، چای مصالحات	3,285	5,253	8,841	6,605	8,841	10,288	3%	16%
11	وسایل برقی، بایلرها	11,702	14,918	9,796	13,429	9,796	9,651	3%	-1%
12	چوب و مواد چوبی	5,847	6,883	8,135	7,740	8,135	8,333	2%	2%
13	آهن آلات و فولاد	5,388	6,207	7,589	6,700	7,589	8,182	2%	8%
14	پلاستیکها و مواد پلاستیکی	3,732	7,235	8,058	8,299	8,058	7,064	2%	-12%
15	رابر و مواد رابری	6,084	5,994	5,089	5,600	5,089	6,734	2%	32%
16	محصولات لبنی	2,460	3,768	5,584	4,911	5,584	6,043	2%	8%
17	گوشت و احشاء	3,246	4,266	4,182	4,712	4,182	5,892	2%	41%
18	کاغذ و تخته‌های کاغذی	1,599	2,667	5,019	4,181	5,019	5,617	2%	12%
19	حبوبات	5,102	5,934	6,237	8,057	6,237	5,579	2%	-11%
20	تنباکو	2,778	5,118	3,071	6,411	3,071	4,952	1%	61%
21	صابون و مواد شوینده	2,503	3,620	5,194	4,352	5,194	4,861	1%	-6%
22	سبزیجات مصرفی	2,730	3,488	3,630	4,295	3,630	4,046	1%	11%
23	حیوانات زنده	1,456	1,999	4,591	2,731	4,591	3,798	1%	-17%
24	تولیدات دواخانه‌ای	1,563	2,498	3,132	2,548	3,132	3,766	1%	20%
25	نوشیدنی‌باب، سرکه و ترشی	1,505	2,724	2,638	3,740	2,638	3,520	1%	33%
26	غلات، حبوبات، آرد	1,280	2,330	2,325	2,401	2,325	2,663	1%	15%
	دیگر اقلام	30,690	42,662	37,700	43,515	37,700	40,293	11%	7%
	مجموع (به میلیون افغانی)	275,277	354,466	358,713	369,318	358,713	367,665	100%	2%
	مجموع (به میلیون دالر)	5,907	7,574	6,452	7,256	6,452	6,405		-1%

منبع: ریاست تجارت بین المللی، وزارت تجارت و صنایع، گزارش سالانه ۲۰۱۴

ضمیمه ۲: پرسشنامه

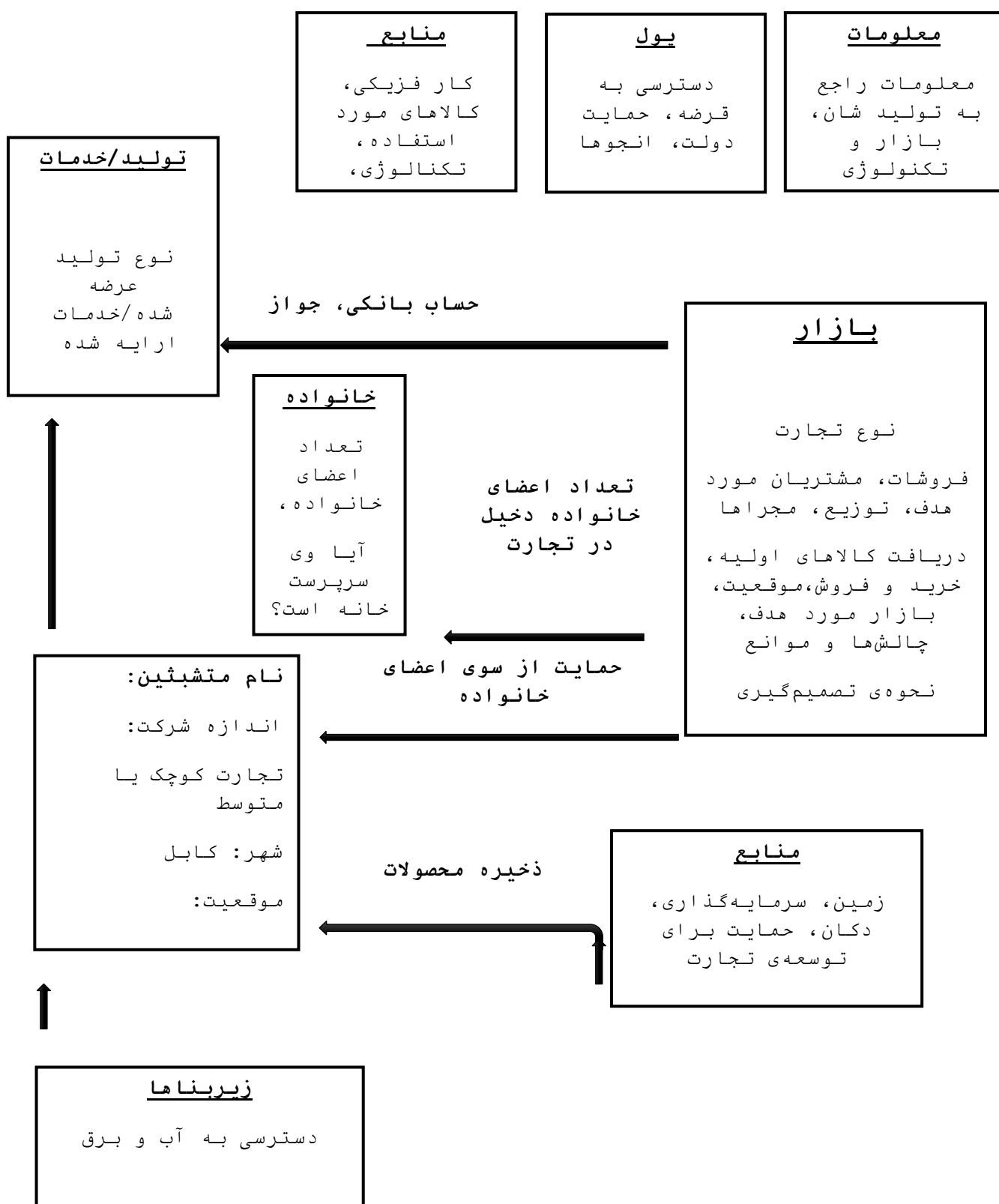
محرمیت: تمام معلوماتی را که شما در جریان این مصاحبه با ما در میان می‌گذارید، شدیداً محرم باقی خواهد ماند و تنها برای تحلیل این تحقیق به کار خواهد رفت. بدون اجازه‌ی قبلی شما، ما معلومات شما را به هیچ نهادی شریک، فاش یا در اختیار کسی قرار نمی‌دهیم. حمایت شما به ما کمک می‌کند به کسانی که در سطوح تصمیم‌گیری و پالیسی‌سازی قرار دارند، در مورد وضعیت متشبهین زن در افغانستان معلومات لازم تهیه کنیم.

نام: _____ سطح تحصیل: _____
سن: _____ شغل: متشبه
موقعیت: _____ تاریخ: ____/____/____ زمان: _____

۱. می‌شود در مورد تجارت تان توضیح بدهید؟
۲. چه زمانی تجارت خود را شروع کردید؟
۳. آیا شما نان‌آور خانواده خود هستید؟ چه چیزی شما را تشویق کرد تجارت خودتان را شروع کنید؟
۴. آیا تجارت شما ثبت دولت است؟
۵. شما از چه منابعی برای شروع تجارت تان استفاده کردید؟
۶. چه کسی به شما کمک کرد این منابع را بدست بیاورید؟
۷. مشتری مشخص تولیدات/خدمات شما چه کسانی اند؟
۸. بازار تولید شما کجاست؟ تولید/خدمات شما چگونه به بازار معینه می‌رسد؟
۹. اگر از شروع تجارت بیش از یک سال می‌گذرد، پرسیده شود که: شما وضعیت تجارت خود را چگونه می‌بینید؟ آیا شاهد پیشرفت تجارت خود هستید؟
۱۰. شما چند نفر (مرد و زن) در تجارت خود استخدام کرده اید؟
۱۱. آیا شما تولید تان را به بازار معرفی کرده اید؟ اگر بلی، چگونه؟
۱۲. در زمان تأسیس تجارت تان با چه چالش‌هایی مواجه بودید؟ (واژه‌های کلیدی: بدست آوردن جواز، تأیید خانواده، امنیت، دسترسی به پول، دسترسی به زمین، جایداد (خانه، دکان، جای کرایه) برای تجارت، سرمایه‌ی انسانی، حمایت دولت)
۱۳. آیا شما در جریان تجارت تان از هیچ مرجع دولتی یا غیر دولتی حمایتی دریافت کرده اید؟ برای مثال، آموزش، قرضه، حمایت‌های تجاری، و غیره.
۱۴. آیا می‌دانید که مؤسسات دولتی یا غیر دولتی چنین حمایت‌هایی برای متشبهین دارد؟ می‌شود چند مؤسسه‌ای را که به نظر شما به زنان متشبهت کمک می‌کنند، نام بگیرید؟
۱۵. شما معلومات مرتبط به تکنولوژی‌های جدید یا هر معلومات دیگر که می‌تواند تجارت تان را توسعه دهد، از چه منابعی بدست می‌آورید؟
۱۶. آیا شما از هیچ حساب پولی در مؤسسات رسمی برای پیش برد تجارت تان استفاده می‌کنید؟ اگر نه، آیا هیچ بانکی در محلی که شما زندگی می‌کنید فعالیت دارد؟
۱۷. به نظر شما، چه فرصت‌هایی پیش روی زنان متشبهت قرار دارد؟
۱۸. جامعه در مورد زنانی که صاحب تجارت و کسب و کار اند، چه فکر می‌کند؟
۱۹. بر اساس تجربه‌ی شما منحصیث یک زن متشبهت، چه محدودیت‌ها و مشکلاتی فراروی زنان متشبهت قرار دارند؟ الف) چه محدودیت‌های اجتماعی فراروی زنان متشبهت قرار دارند؟

- ب) محدودیت‌های اقتصادی درین راستا کدام هایند؟
- ج) چه محدودیت‌های فنی درین زمینه وجود دارد؟
- د) آیا محدودیت‌های مشخص امنیتی برای خانم‌های متشبت وجود دارد؟
- ه) آیا به نظر شما فساد اداری مانع فعالیت‌های زنان متشبت می‌شود یا خیر؟
۲۰. به نظر شما ۵ جدی ترین محدودیتی که فراروی زنان متشبت قرار دارند کدام‌هایند؟

ضمیمه ۳: نمودار زنان متشبت



منابع و مآخذ:

- مجیب مشعل، انکشاف تجارت‌های کوچک و متوسط و تجارت‌های منطوقی در افغانستان، AREU، جنوری ۲۰۱۴.
- معلومات ضروری در مورد فعالیت‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری در افغانستان، دپارتمنت تحقیقات و آمار. اداره‌ی حمایت از سرمایه‌گذاری در افغانستان. مارچ ۲۰۱۲.
- عمر جویا، میر توفیق انصاری، عبدالصمد کتوازی، احمدشاه مومن، داریوش تابش، قدرت الله حلیم. برآورد تجارت‌ها با سرمایه‌گذاری ثابت در افغانستان. اداره‌ی حمایت از سرمایه‌گذاری در افغانستان (آیسا). می، ۲۰۱۲.
- زنان افغان در محیط کاری. شرکت مشاورتی قرا. آگست، ۲۰۱۴.
- احمد ف. عاصی. اطلاعات بازار کار برای نیروی کار تقاضا محور در افغانستان. حرکت-AICFO و NDSP. ۲۰۱۲.
- ویلیام ا. بیراد. مدیریت اقتصادی در افغانستان. USIP. ۲۰۱۵.
- اولوتایو اکینیپیلو اولارینواجو، یوسف شیریف اولاییسی. دسترسی زنان به منابع تجارتي در اقتصاد غیر رسمی. دانشگاه ایبادان. نایجیریا. جلد ۲/۲۰۱۲.
- تطبیق استراتیژی تجارت‌های کوچک و متوسط: پلان کاری برای انکشاف تجارت رزاعتی در افغانستان. وزارت تجارت و صنایع و وزارت زراعت، آبیاری و مالداري. می ۲۰۱۱-مارچ ۲۰۱۳.
- جیک کوزاک، اریک ملمسترام. متشبین کنونی در افغانستان. کافمن. دسامبر ۲۰۱۴.
- سروی شرایط زندگی در افغانستان، نتایج میان دوره‌ای ۲۰۱۴. اداره‌ی احصائیه مرکزی. دسامبر ۲۰۱۴.
- ارزیابی خطر و آسیب‌پذیری ملی ۲۰۱۲-۲۰۱۳، فصل ۴: ویژگی‌های نیروی کار. اداره‌ی احصائیه مرکزی. کابل. افغانستان.
- تام گبسن، اچ. جی. وان در وارت. «تعریف تجارت‌های کوچک و متوسط: روش بهتر تعریف تجارت‌های کوچک و متوسط در کشورهای در حال توسعه.» اقتصاد و توسعه‌ی جهانی، بروکنز. سپتامبر ۲۰۰۸.
- فعالیت‌های تجارتي در سال ۲۰۱۴. «فهم مقررات برای تجارت‌های کوچک و متوسط.» گروه بانک جهانی. چاپ یازدهم. ۲۰۱۴.
- معلومات ضروری در مورد فعالیت‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری در افغانستان، دپارتمنت تحقیقات و آمار. اداره‌ی حمایت از سرمایه‌گذاری در افغانستان. مارچ ۲۰۱۲.
- ادام پین، ریچارد مالیت. «جنیست، جوانان مشارکت در بازار کاری شهری: شواهدی از بخش خیاطی در کابل، افغانستان.» AREU، کابل. جولای ۲۰۱۴.
- «عدم رسمیت و انکشاف تجارت‌های کوچک در شهر کابل.» AMMC، حرکت. جولای ۲۰۱۱.
- لینا گانش، مسعوده کوهستانی، رحیم اعظمی، ربیکا ال. میلر. «توانمندسازی اقتصادی زنان در افغانستان، ۲۰۰۲-۲۰۱۲، ---»
- نقشه‌برداری اطلاعات. AREU و زنان ملل متحد. کابل. جولای ۲۰۱۳.
- احمد ف. عاصی. اطلاعات بازار کار برای نیروی کار تقاضا محور در افغانستان. حرکت-NDSP.
- سروی شرایط زندگی در افغانستان، نتایج میان دوره‌ای ۲۰۱۴. اداره‌ی احصائیه مرکزی. دسامبر ۲۰۱۴.
- «انکشاف بخش خصوصی، استراتیژی بخش (۲۰۰۸/۲۰۰۷ - ۲۰۱۳/۲۰۱۲).» دولت جمهوری اسلامی افغانستان، استراتیژی انکشاف ملی افغانستان. ۱۰ جولای ۲۰۰۸.
- هولی ا. ریتچی. «بازاندیشی تجارت در شرایط شکننده، آنچه از تجارت‌های زنان، امنیت و شمولیت در سومالی می‌آموزیم.» امنیت انسانی در دولت‌های نیم‌بند، اکادمی امنیت بین‌المللی، انسیتوت بین‌المللی مطالعات اجتماعی. ۲۰۱۴.
- «اتحادیه اروپا، تجارت کالاها با افغانستان.» ریاست عمومی تجارت، کمیسیون اروپا. ۲۰۱۴.
- شیاما وی. رامانی، ایجی توتوپالی، تاماس میدووارسیزکی، چتوپادهیای، وینا راویچاندروم. «متشبین زن در اقتصاد غیر رسمی: آیا رسمی‌سازی تنها راه حل برای ثبات تجاری است؟» گزارش‌های کاری شماره ۲۰۱۳-۰۱۸. دانشگاه ملل متحد. ۲۰۱۳.
- «افغانستان: زمان حرکت به سوی شغل پایدار، مطالعه‌ی وضعیت کار در افغانستان.» سازمان بین‌المللی کار—دفتر افغانستان.

کابل. می ۲۰۱۲.

- میرا باوینیک، ربیکا فیوریست، نیکولوس، ایمیلی کوری پیپر. «نقشه‌ی راه برای تقویت توانمندسازی اقتصادی زنان.» اکسون موبیل. بنیاد ملل متحد.
- فریدریک دیلمار، کارین هومکویست. «تقویت تشبث و تجارت‌های کوچک و متوسط ابتکاری در اقتصاد جهانی: به سوی جهانی‌شدن مسوول‌تر و شامل‌تر.» OECD، استانبول، ترکیه ۳-۵ جون ۲۰۰۴.



کابل - افغانستان

admin@epd-afg.org - www.epd

موسسه برابری برای صلح و دموکراسی یک نهاد غیر انتفاعی و غیر دولتی است که در عرصه توانبخشی زنان و جوانان در سطح اجتماعی و پالیسی سازی در افغانستان فعالیت می کند. این نهاد در اوایل سال ۲۰۱۰، توسط خانم نرگس نهان تاسیس گردید. موسسه برابری برای صلح و دموکراسی در بخش ظرفیت سازی زنان و جوانان فعالیت می نماید تا آنها بتوانند به صورت مستقیم نیازمندی های خویش را در بخش های انکشافی، صلح آوری و پروسه های دموکراتیک در افغانستان مطرح نمایند. در عین حال، این نهاد از طریق بسیج زنان و جوانان راه را برای عبور از چالش های امنیتی که افغانستان با آن مواجه است، هموار می کند. موسسه برابری برای صلح و دموکراسی زمینه هایی را برای گردهم آمدن زنان و جوانان، تاسیس شبکه ها، اعتماد سازی و تلاش های مشترک برای تبدیل افغانستان به یک کشور دموکراتیک، عاری از هر گونه تبعیض و خشونت، ایجاد نماید.